

نوروز نزد ادیان مختلف:

✉️ خوان نوروزی

انجمن یانش و ران مانتره

فروردین ۱۳۸۷ ۱۰



نوروز بدون شک مهم ترین جشن ایران امروز است. جشنی که آنچنان با نام ایرانی و ایران آمیخته است که نمی توان آن را از ایران جدا نمود. نوروز در بین قوم های مختلف ایرانی با سنت های گوناگون و البته شبیه به یکدیگر برپا می شود و به همراه خود هزاران نکته را دارد. در این جا به آیین های نوروز در نزد زرتشتیان، دلایل برپایی این جشن و خوان نوروزی می پردازیم. **فلسفه برگزاری نوروز** را می توان از سه دیدگاه نگریست: **فلسفه برگزاری** دیدگاه نجومی، در این دیدگاه به این نکته اشاره می شود که خورشید بعد از 365 روز و یک چهارم روز دوباره وارد برج حمل می شود و همزمان است با رستاخیز طبیعت

دیدگاه تاریخی یا اسطوره ای اشاره دارد به جمشید شاه پیشدادی که پس از انجام دادن کارهای گوناگون، روزی برای نشستن بر تخت انتخاب کرد و آن را نوروز نام نهاد.

از دیدگاه دینی با توجه به اینکه در چهره همس پت میدیم گاه و با آفریدن انسان، آفرینش خداوند کامل می شود، فردای آن روز که هم زمان با اورمزد از ماه فروردین باشد را جشن می گیرند.

آداب نوروز:

همانگونه که در فروردین یشت آمده است فروهر درگذشتگان قبل از آغاز چهره ششم گاهانبار از جایگاه خود فرود می آیند و این نوشته در سنت زرتشتیان بدین صورت شکل یافته است که: زرتشتیان هنگامی که ده روز مانده به آخر سال، خانه و اطراف محیط خود را پاکیزه می کنند و لباس نو تهیه می کنند در پنج روز پایان سال که چهره ششم گاهانبار برگزار می شود برای خیر و برکت همگان خوراکیها تهیه می کنند و داد و دهش انجام می دهند، چوبهای خوشبو بر آتش می نهند و در شب پایان سال نیز در بالاترین مکان پشت بام خود آب تازه (نمادی از خرداد امشاسپند و مایه روشنایی و برکت در زندگی)، چند شاخه درخت مورد (به نشان و (امرداد امشاسپند به منظور جاودانگی و زندگی پر از خوشی و خرمی و سربلندی داشتن سیر و سداب (برای سلامتی و زدودن ناپاکی ها) تهیه می کنند. خلاصه آنچه که مایه خیر و برکت و شادی انسانها می شود و فروهر های درگذشتگان را از داشتن زندگی خوب و سرشار از پاکیزگی و خوشبختی بازماندگان خود خشنود سازد تهیه می کنند و در سپیده دم صبح نوروز بر پشت بام آتش روشن می کنند و با خواند اوستا و نیایش، به بدرقه روان و فروهر درگذشتگان می روند و زندگی سرشار از نعمت، برکت و فراوانی را خواهان می شوند.

در آغاز سال نوچند ساعت قبل از تحویل سال، خوان نوروزی را می گسترانند و بعد از تحویل سال به آتشکده ها می روند و ستایش اهورامزدا را به جا می آورند، سپس به خانواده هایی که عزیزان خود را در سال گذشته از دست داده اند سر می زنند و یادشان را گرمی می دارند. بعد از آن به دید و بازدید های نوروزی می پردازند.

هفت سین:

بدون شک آن چیزی که امروز ما هفت سین می نامیم در طول تاریخ تغییراتی یافته تا اکنون به هفت سین رسیده است. دیدگاه های گوناگونی در مورد هفت سین گفته شده است که در عین متفاوت بودن همگی آنها می توانند شکل دهنده قسمتی از سرگذشت سفره نوروزی باشند. و اما برخی از این دیدگاه ها

عقیده بر آن است که در زمان ساسانیان نوعی سینی از جنسی خاص (احتمالاً کائولین) وارد ایران شده است و چون در آن زمان ارزش زیادی داشته است در چیدن خوان نوروزی از آن سینی ها استفاده می کردند. این ظرفها را در ابتدا چینی می نامیدند (به دلیل آنکه از چین به ایران آورده شده است) و بعد ها نام سینی را گرفته است و البته با توجه به مقدس بودن عدد 7 در نزد ایرانیان هفت سین شکل گرفته است

باور دیگر این است که در زمان ساسانیان هفت نوع غله متفاوت را در ظرفها یا قابها یا بر روی ستون های خاصی می کاشتند و هر کدام از این غله ها بهتر عمل می آمد در سال آینده از آن غله استفاده می کردند. بدین ترتیب متوجه می شدند که از بذرها موجود کدام یک بهتر به عمل می آید و دارای کیفیتی بهتر است

اعتقاد دیگر بر این است که هفت سین نمادی است از هفت امشاسپند و از آن ریشه گرفته است.

برخی نیز بر این باور هستند که هفت سین در ابتدا هفت نوع میوه یا گیاه چیدنی بوده است که بعدها به هفت سین تبدیل شده است

:خوان نوروزی

پیش از تحویل سال نو، زرتشتیان خوان نوروزی را می گسترانند و نمادهای امشاسپندان و یا بهترین و ساده ترین چیزهایی که نشانه برکت و مایه سلامت انسانها و نشانه ای از نعمت های اهورامزدا است را بر سر سفره می گذارند که عبارت است از

کتاب اوستا؛ برای همیشه به یاد خدا بودن

نان؛ نشانه برکت (در قدیم نانی از هفت نوع غله و حبوبات تهیه می شده که کنایه ای از داده های اهورامزدا بوده است

تخم مرغ؛ اشاره به نطفه و نژاد است و نمادی است از وهمن امشاسپند

آیینه؛ به معنی چشم روشنی و یکرنگی و با ایمان بودن

سمنو؛ که از جوانه تازه رسیده گندم تهیه می شود و نشان توانمندی و رشد و نمو است

سنجد؛ به نشان عشق و دلدادگی

ماهی؛ اشاره به ایزد آناهیتا(آب) به معنی جنب و جوش و بالندگی در زندگی و شاید کنایه ای بر برج حوت و ماه اسفند نیز باشد

انار؛ نشانه همبستگی و اتحاد

سیب؛ نشانی است از عشق و زایش و تندرستی

شیر تازه؛ شیر تازه را باخرما و پنیر و کوبیده گیاه هوم آمیخته و در نوروز می خوردند که اشاره بر نوزایی آدمی و رستاخیز طبیعت بوده و اکنون زرتشتیان شیر را به یاد وهمن امشاسپند (به معنی نیک اندیشی) که در نقش مادی نگهبان حیوانات است، بر سر سفره می گذارند

، بوی خوش و شمع که نماد اردیبهشت امشاسپند به معنی بهترین (آفرینگان آتش) آتشدان راستی و پاکی و نگهبان آتش است سر سفره حاضر و با بوی خوش مثل سندل و عود

واسپند و کندر و... هوا را خوشبو و معطر و شاداب می کنند

سکه؛ نشانه ای از شهرپور امشاسپند است و به معنی شهرپاری می باشد. زیرا سکه همانند انسان هیچ گاه ارزش خود را از دست نمی دهد

سپندارمزد () سفره سفید یا سبز؛ همان سفره نوروزی است که آنرا به نشان سپنتاآرمیتی به معنی مهر و فروتنی و عشق پاک و پارسایی می گسترانند

آب را به همراه آویشن و انار در ظرفی زیبا قرار می دهند. آب نمادی است از خرداد امشاسپند

به معنی رسایی و کامل شدن، آویشن نیز نشانه ای است از مهر و خوشبویی و سلامت

گلدان گل و سرو و شمشاد و سبزه های نوروزی (در بعضی مواقع از هفت نوع حبوبات تهیه می شده) که بر سر سفره قرار می گیرد همگی به یاد امرداد امشاسپند به معنی بی مرگی و جاودانگی

در قدیم مرسوم بوده، که از شاخه های درختان خاصی مانند انار، بید، زیتون، گز و ... : برسم تهیه و به صورت رشنه های مشخص سه تایی یا هفت تایی و... در کنار هم بسته می شده است. بر سر سفره نوروزی به نشانه سپاسگزاری برای بهره مندی از نعمت گیاهان و نباتات که مایه تغذیه انسان و حیوان است، قرار می دادند پس از تحویل سال و نیایش به درگاه خداوند با گلاب و آینه و پخش شیرینی و نقل به یکدیگر شادباش می گویند

در قدیم همچنین مرسوم بوده که مقداری خشکبار (مانند برگه هلو، زردآلو، انجیر و...) در ظرف آبی می ریختند و بر سر سفره نوروزی قرار می دادند. در ایام نوروز از این مخلوط به جای میوه نوروزی استفاده می شده است
سماق: چاشنی زندگی
سیر و سرکه: برای گندزدایی

....

شماره 9 فصلنامه نامه مفید > مجلات

نوروز در فرهنگ شیعه

رسول جعفریان

نوروز یا روز نو، در همه تقویم، در همه دوره‌ها و در میان همه فرهنگها، با اسامی گوناگون مطرح بوده و هست. گردش زمین به دور خورشید و پدید آمدن روز و شب و فصول سال و نیز حرکت ماه بر گرد زمین، بشر را به محاسبه واداشته و به طور طبیعی تقویم را پدید آورده است. آغاز هر سال، شروع جدیدی است که خود به نوعی انسان را با احساسی تازه و تولدی نو به حرکت در می‌آورد. این آغاز همراه با شادی و سرور بوده و در هر فرهنگی آیینهای ویژه‌ای برای نشان دادن خوش حالی و شادی تعبیه شده است. در میان ایرانیان، این روز نو، روزی بود که شاه جدید ساسانی به تخت می‌نشست. خواهیم دید که روزی در اواخر خردادماه بود که (1) آخرین نوروز ایرانی، که طی آن آیینهای ویژه‌ای را اجرا می‌کردند، یزدگرد سوم بر تخت نشست و از آن پس، این نوروز، هر سال، با توجه به عدم محاسبه کیبسه و اهمال آن، در هر چهار سال يك روز به عقب می‌افتاد. پس از آمدن اسلام، سنت نوروز، پابرجا ماند و این بدان دلیل بود که مردم ایران، به سرعت اسلام را پذیرفته و تا یکی دو سه قرن، بسیاری از آنان بر آیین کهن خود بودند. حتی اگر اسلام را پذیرفتند، نتوانستند به آسانی آن را ترک کنند. دانسته است که اسلام دو عید را با عنوان عید فطر و اضحی با آیینهای ویژه مطرح کرد، هر چند آنها آغاز سال نبود اما به هر روی عید طبیعی مسلمانان به شمار می‌آمد. در برابر، نه از سوی اهل سنت و نه امامان شیعه، موضعگیری روشن و شناخته شده مفصلی نسبت به نوروز مطرح نشد. آنچه در این باره گفته شده پس از این اشاره خواهیم کرد

بحث از نوروز، در فرهنگ شیعه، از قرن پنجم به بعد مطرح شد و تا آنجا که به منابع برجای مانده ارتباط مربوط می‌شود، نخستین بار در مختصر مصباح شیخ طوسی از آن یاد شد. پس از آن در منابع دیگر هم وارد گردید. در این مقال سیر ورود آن را در منابع شیعه و موضعگیری فقهای شیعه در باره آن را توضیح خواهیم داد. نکته جالب توجه آنکه در دوره صفوی، آثار فراوانی در زمینه عید نوروز نوشته شد. شیخ آقابزرگ ذیل مدخل نوروزیه، از بیش از پانزده رساله که در دوره صفوی تألیف شده یاد کرده است. در این مقال برآنیم تا بر چند رساله نوروزیه که در این دوره تألیف شده شرحی به دست دهیم

مبنای محاسبه روز نوروز

نوروز نخستین روز فروردین ماه شمسی به حساب می‌آید. محاسبه سال شمسی تا پیش از پیدایش تاریخ، بدین ترتیب بود که سال را دوازده ماه سی روزه تقسیم می‌کردند که جمعا 471 جلالی در سال 467 یا 360 روز می‌شد. پنج روز باقی مانده را در پایان آبان ماه یا اسفندماه بر آن می‌افزودند که جمعا 365 روز می‌شد. با این حال پنج ساعت و 48 دقیقه و 45/51 ثانیه باقی می‌ماند. این زمان، در هر چهار سال یک روز می‌شد و از آنجا که در محاسبه نمی‌آمد، روز اول فروردین در فصول سال تغییر می‌کرد. بنابر این ماههای شمسی نیز در آن زمان، مانند ماههای قمری در فصول سال متغیر بود. معنای این سخن آن است که نوروز در ابتدای فروردین واقعی، یعنی نقطه آغاز اعتدال ربیعی قرار نداشت

زمانی که یزدگرد سوم، آخرین شاه ساسانی، در سال 632 میلادی به تخت نشست، روز نخست سال، یعنی اول فروردین در آن تاریخ، مطابق بود با شانزدهم حزیران (ژوئن) (مطابق با 27 خرداد). پس از آن با محاسبه بالا، روز نوروز یا اول فروردین، هر چهار سال، یک روز به عقب می‌آمد

در سال 467، روز نوروز مطابق دوازدهم حوت یا اسفند بود. در این سال، ملکشاه سلجوقی، دستور داد تا منجمان، محاسبه دقیقی از سال شمسی انجام داده و روز اول فروردین را معین کنند. بر اساس محاسبه خواجه عبدالرحمان خازنی، منجم مرو، عوض آن که بر اساس محاسبه قبلی، روز واقعی دوازدهم اسفند را اول فروردین دانسته شود، اول فروردین را هیجده روز جلوتر برده و در ابتدای اعتدال ربیعی، یعنی فروردین واقعی قرار داد. در محاسبه جدید، هر سال را در چهار نوبت، 365 روز محاسبه کرده (دوازده سی روز به ضمیمه پنج روز که در آخر ماه آبان یا اسفند افزوده می‌شد) و سال پنجم را 366 روز محاسبه کردند. البته پس از هر هشت دوره چهارساله، سال پنجم را 366 قرار می‌دادند. در این محاسبه آن پنج ساعت و اندکی نیز در محاسبه می‌آمد. بدین ترتیب، روز نوروز، به عنوان نخستین روز فروردین ماه، از آن سال ثابت ماند

بنابر این، نخستین سالی که روز اول فروردین آن دقیقا مطابق آغاز زمان اعتدال ربیعی بود، سال 467 (یا 471)⁽²⁾ بوده است

نوروز در فرهنگ شیعه

دانسته است که سال قمری، به عنوان سالشمار پذیرفته شده در آیینهای دینی در دین مبین اسلام پذیرفته شده و در میان مردم و کتابهای تاریخی مرسوم بوده است. در کنار آن سال شمسی، به دلیل ثبات آن در تعیین فصول، همیشه به عنوان سال مورد استفاده در امر کشاورزی و خراج و جز آن، اهمیت خود را حفظ کرده و در تقویم محاسبه و یاد می‌شده است. تطبیق این دو روز شمار با یکدیگر در فرهنگهای مختلف همیشه مورد بحث واقع شده و راه حلهای مختلفی برای آن عرضه شده است. سیری از این تطبیقها در میان تاریخ قمری و شمسی را تقی زاده مورد بحث قرار گرفته است⁽³⁾

در سال 1304 شمسی (1343 قمری مطابق 1925 میلادی) در ایران، تقویم شمسی، به عنوان تقویم رسمی پذیرفته شد. محاسبه پیشین که دقیق بود مراعات شد و تنها عوض افزودن پنج روز به سال، شش ماه نخست سال را سی و یک روز، و پنج ماه دوم را سی روز و اسفند را بیست و نه روز قرار دادند که هر در قانون⁽⁴⁾ چهار سال، سی روز محاسبه می‌شد. سالی که اسفند آن سی روز بود، آن را سال کبیسه نامیدند اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مبنای محاسبه سال شمسی بوده و سال قمری نیز در کنار آن به عنوان تقویم دینی مورد تاکید قرار گرفت

این بود اجمالی از نوروز در تقویم شمسی. مهمترین نکته آن، این است که نوروز تا سال 467 در سال متغیر بوده و پس از آن در آغاز اعتدال ربیعی قرار گرفته و از آن پس تغییری نیافته است

نوروز در منابع کهن شیعی

در آغاز باید اشاره کنیم که مقصود از منابع کهن منابعی است که تا زمان شیخ طوسی تألیف شده است. آنچه که در باره نوروز در این منابع آمده، به شرح زیر است

نخست آن که نجاشی ذیل شرح حال ابوالحسن نصر بن عامر بن وهب سنجاری نوشته است که وی از ثقات روشن نیست حجم روایاتی که وی⁽⁵⁾ اصحاب است و کتابهایی داشته از جمله کتاب ما روی فی یوم النیروز در این کتاب جمع آوری کرده چه اندازه بوده است. گفتنی است که صاحب بن عباد که باید او را با احتیاط⁽⁶⁾ شیعه معتزلی دانست، کتابی با عنوان کتاب الاعیاد و فضائل النیروز داشته است

در منابع کهن، چند روایت نیز در باره نوروز آمده، که به این ترتیب است

نخست روایتی از ابراهیم کرخی که ضمن آن از امام صادق علیه السلام سؤال شده که شخصی مزرعه - 1 بزرگی دارد. در روز مهرگان یا نوروز، هدایایی (از طرف کسانی که بر روی آن کار می‌کنند) به او داده می‌شود. آیا بپذیرد؟ حضرت فرمود: آنها که هدیه می‌دهند مسلمانند؟ ابراهیم می‌گوید: آری. حضرت فرمود: هدیه آنها را بپذیرد.⁽⁷⁾

روایت دیگر چنین است که در روز نوروز به امیرالمؤمنین علیه السلام گفته شد: الیوم النیروز. - 2 و نقل دیگر همان روایت آن که⁽⁸⁾ حضرت فرمودند: اصنعوا کل یوم نیروزا هر روز را نوروز کنید این همان روایتی است که در آن گفته شده در روز نوروز به آن⁽⁹⁾ حضرت فرمود: نیروزنا کل یوم حضرت، فالوذج هدیه کردند و حضرت این پاسخ را دادند. در حاشیه نسخه‌ای از فهرست ابن‌ندیم آمده که ثابت بن نعمان بن مرزبان، پدر ابوحنیفه، یا جد او همان کسی بود که فالوذج به امام علی علیه السلام هدیه تعبیری که صاحب دعائم آورده قدری⁽¹⁰⁾ کرد و حضرت فرمود: نیروزنا کل یوم یا مهرجونا کل یوم متفاوت است. در آنجا آمده: وقتی فالوذج به امام اهدا شد، حضرت دلیلش را پرسید؛ گفتند: امروز نوروز این روایت را بخاری⁽¹¹⁾ است. حضرت فرمود: فیروزا ان قدرتم کل یوم. یعنی تهادوا و تواصلوا فی الله⁽¹²⁾ نیز در التاریخ الکبیر آورده است

به جز آنچه از من لایحضر نقل شد، در آثار صدوق، اشاره‌ای به نوروز نشده است. تنها در عیون اخبار الرضا علیه السلام ضمن اشاره به داستان زیدالنار آمده که جعفر بن یحیی برمکی بعد از کشتن ابن صدوق هیچ اشاره دیگری به⁽¹³⁾ افطس علوی، سر وی را همراه هدایای نوروز نزد هارون فرستاد⁽¹⁵⁾ گفتنی است که در آثار شیخ مفید نیز، کلمه نوروز یا نیروز یافت نشد⁽¹⁴⁾. نوروز نکرده است

اشاره شده بود.⁽¹⁶⁾ اشاره شد که در تهذیب شیخ طوسی، به بحث هدیه در روز نوروز و مهرجان - 3 جدای از آن شیخ طوسی در مصباح المتجهد، برای نخستین بار بحث از روز نوروز، به عنوان روزی متبرک که روزه استحبابی و نماز دارد، کرده است. آنچه در مصباح (به نقل از بحار) آمده چنین است

روی المعلى بن خنيس عن مولانا الصادق عليه السلام في يوم النیروز قال: اذا كان يوم النیروز فاغتسل و الیس انظف ثيابك و تطيب باطيب طيبك و تكون ذلك اليوم صائما فاذا صليت النوافل و الظهر و العصر، گفتنی است که شیخ⁽¹⁷⁾ ...فصل اربع رکعات، تقرا فی اول رکعة فاتحة الكتاب و عشر مرات انا انزلناه و روز نوروز را نه در مصباح و نه در مختصر مصباح معین نکرده است

ابن ادریس (598) در سرائر می‌نویسد: شیخ ما ابو جعفر در مختصر مصباح آورده از چهار رکعت - 4 نماز مستحب در نوروز فرس سخن گفته اما روز آن را معین نکرده، چنانکه ماه آن را از ماههای رومی یا عربی مشخص نکرده است. آنچه برخی از اهل حساب و علمای هیئت و اهل فن در کتابش گفته، این است که روز نوروز دهم ماه ایار (دهم ماه مطابق دوم اردیبهشت) که سی و یک روز است می‌باشد. زمانی که نوروز از آن گذشت، روز نوروز فرا می‌رسد. گفته شده نیروز و نوروز دو لغت است. اما نیروز معتضد که به آن نوروز معتضدی می‌گویند، روز یازدهم حزیران (یازدهم ژوئن مطابق سوم خرداد) است. مردمان

سواد و زار عین، در باره امر خراج به وی شکایت کردند و این که قبل از رسیدن محصول، خراج گفته می‌شود و همین سبب بدهکاری آنهاست که خود عامل اجحاف به رعایاست. او مصمم شد که پیش از یازدهم حزیران خراج از کسی مطالبه نکنند. شعری نیز در باره این عمل او سروده شد... همه این مطلب (18) را صولی در کتاب الاوراق آورده است

در دو کتاب دعا که به فارسی در قرن ششم تألیف شده یاد از حدیث معلی بن خنیس در اعمال روز نوروز که مهمترین آنها، گرفتن روز، پوشیدن لباس نیکو و نماز مخصوص است، شده است. این دو مورد از دو متن فارسی شیعی قرن ششم قابل توجه است جز آن که به احتمال قریب به یقین برگرفته از شیخ طوسی است.

در کتاب ذخیره الاخره که مشتمل بر ادعیه بوده و در نیمه نخست قرن ششم تألیف شده، فصلی تحت - 5 عنوان عمل روز نوروز فارسیان آمده است. در شرح آن حدیث معلی بن خنیس به این ترتیب نقل شده است:

روایت کند معلی بن خنیس از صادق علیه السلام که گفت: چون روز نوروز بود، روزه دار و غسل کن و جامه پاکترین در پوش و بوی خوش بکار دار و چون نماز پیشین و دیگر و سنتهای آن بگذارده باشی، چهار رکعت نماز کن به دو سلام و بخوان در رکعت اول الحمد و ده بار انا انزلناه فی لیلة القدر و در رکعت دوم الحمد و ده بار و ده بار قل یا ایها الکافرون و در رکعت سیم الحمد و ده بار قل هو الله احد و در چهارم رکعت الحمد و ده بار معوذتین. و چون از نماز فارغ گردی تسبیح زهرا علیهما السلام بگوی. چون چنین بکنی خدای (19) ... تعالی شصت ساله گناه تو بیامرزد. و دعاین است

در کتاب نزهة الزاهد نیز که در نیمه دوم قرن ششم یا نیمه نخست قرن هفتم نوشته شده آمده است: - 6 نوروز فرس: امام جعفر صادق علیه السلام گفت: چون روز نوروز در آید غسل کن و جامه پاکترین در پوش و بوی خوش بکار دار و روزه فراگیر و پس از نماز پیشین و دیگر، چهار رکعت نماز کن به دو سلام. پس از الحمد در اول رکعت، ده بار انا انزلناه بخوان و در دوم ده بار قل یا ایها الکافرون و در سوم ده بار قل هو الله احد و در چهارم ده بار هر دو قل اعوذ. و چون فارغ شوی سجده شکر کن و این دعا بخوان تا تو را گناه شصت ساله بیامرزد. و دعا این است: اللهم صل علی محمد و آل محمد الاوصیاء المرضیین و (20) ... صل علی جمیع انبیاءك و رسلك بافضل صلواتك و بارك علیهم بافضل برکاتك

قطب الدین راوندی (م 573) حدیثی در باره نوروز، در کتاب لب اللباب خود آورده است: عن رسول - 7 الله صلی الله علیه وآله وسلم : ابدلکم بیومین یومین، بیوم النیروز و المهرجان، الفطر و الاضحی. دوروز (21) رابرای شما جانشین دوروز کردم. عید فطر و قربان را بجای عید نوروز و مهرگان قرار دادم

مناسب است در اینجا بیفزایم که مراسم نوروز در شهرهای شیعه نیز برپا بوده است. حدافل دو قصیده از سیدضیاءالدین ابوالرضا فضل الله راوندی از قرن ششم در دست داریم که عید نوروز را به برخی از بزرگان آن ناحیه تبریک گفته است. در یکی از این اشعار آمده

هذا الربیع و هذه ازهاره

(22) وافی سوا لیله و نهاره

ابن شهر آشوب (م 588) در مناقب خبری در برخورد منصور با امام کاظم علیه السلام آورده است. - 8 وی می‌نویسد: منصور از امام خواست تا در عید نوروز، بجای او در مجلسی نشسته و هدایایی را که آورده می‌شد از طرف او بگیرد. امام در پاسخ چنین گفت

انی قد فتشت الاخبار عن جدی رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فلم اجد لهذا العید خبرا؛ انه سنة للفرس (23) . محاهها الاسلام و معاذ الله ان نحیی ما محاه الاسلام

من اخباری را که از جدم رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم وارد شده بررسی کردم و خبری در رابطه با این عید پیدا نکردم. این عید از سنن ایرانیان است که اسلام بر آن خط بطلان کشیده است. به خدا پناه می‌برم از اینکه چیزی را که اسلام آن را از میان برده دوباره آن را زنده کنم.

صاحب جواهر با توجه به نقل شیخ، ابن‌فهد، شهید اول و دیگر متأخرین، بر مسلم بودن استحباب روزه سپس نقل بالا را از امام کاظم علیه السلام آورده و گفته است که این نقل روز نوروژ تاکید کرده است نمی‌تواند معارض ادله استحباب باشد، به علاوه که محتمل است که بر اساس تقیه صادر شده باشد؛ شاید هم باید توجه داشت که مستند همه، روایت معلی⁽²⁴⁾ مقصود نوروژی جز نوروژی باشد که متفق علیه است نکته سوم. بن خنيس است. به علاوه، اگر تقیه‌ای در کار بود، باید امام همان ابتدا موافقت می‌کرد نه مخالفت وی نیز واضح البطلان است، زیرا به هر روزی در آن روزگار، يك نوروژ بیشتر وجود نداشته است.

این بود آنچه در منابع شیعه تا قرن ششم در باره نوروژ نقل شده است. در این باره، مهم همان روایت معلی بن خنيس است و جز آن، چیزی در باره تایید نوروژ به چشم نمی‌خورد. منشا آنچه در آثار بعدی در باره استحباب غسل روز نوروژ و نماز و دعای مربوطه آمده، همین نص است و بس. البته مطالب دیگری نیز افزوده شده که منشا آنها را اشاره خواهیم کرد.

نوروژ در منابع اهل سنت

در اینجا بی‌مناسب نیست، اشاره‌ای به آنچه در منابع اهل سنت در باره روز نوروژ آمده داشته باشیم. بطور کلی باید گفت که این عید، از پس از اسلام مورد توجه حکام اموی و عباسی بوده و بویژه در حوزه شرق، هدایای نوروژ به طور مرتب از طرف حکام از کدخدایان دریافت می‌شده است. افزون بر آن کار گرفتن نوروژ تا تیرماه به⁽²⁶⁾ و معتضد عباسی،⁽²⁵⁾ خراج نیز بر اساس نوروژ بوده و یکی دوبار در عهد متوکل تاخیر افتاده تا مردم در پرداخت آن گرفتار مشکل نشوند، زیرا در این وقت محصول به دست می‌آمده است.⁽²⁷⁾ در زمان مقتدر نیز این مشکل به عنوان نوعی ظلم در حق رعایا مطرح بوده است.

به گزارش یعقوبی، معاویه پس از رسیدن به خلافت، به عبدالرحمن بن ابی‌بکره نوشته است تا هدایای عمر بن عبدالعزیز، در ردیف کارهای اصلاحی خود این امر⁽²⁸⁾ نوروژ و مهرگان برای وی ارسال شود و نامه‌ای به یکی از حکام خویش نوشته تا از گرفتن هدایای نوروژ و مهرگان خودداری⁽²⁹⁾ را متوقف کرده در زمان⁽³¹⁾ بعد از وی، یزید بن عبدالملک بار دیگر گرفتن هدایای نوروژی را باب کرده است⁽³⁰⁾ کند. در باره⁽³³⁾ چنانکه در سال 236 در فارس⁽³²⁾ نصر بن سیار نیز گرفتن هدایا در خراسان مرسوم بوده،⁽³⁴⁾ نوروژ و مهرگان در ادب عربی، مقالاتی در زبانهای فرنگی نوشته شده است.

در تمام این دوران، روز نوروژ به عنوان يك روز معین برای مسلمانان شرق شناخته شده بوده و به دلیل درگیر بودن آن با امر خراج، موقعیت خود را حفظ کرده است. شاعری در سال 220 هجری، روز نوروژ را در ردیف دو عید فطر و اضحی قرار داده است

فابکوا علی التمر ابکی الله اعینکم

فی کل اضحی و فی فطر و نیروز

شواهد وجود دارد که در اواخر قرن سوم، توده مردم در این نواحی، در ایام نوروژ به آتش بازی و ریختن آب می‌پرداخته‌اند. حکومت نیز به احتمال تحت تأثیر فقهای اهل سنت، با آن مقابله می‌کرده است.

در حوادث سال 282 آمده است که در این سال، مردم از آنچه در نوروژ عجم، از آتش بازی و ریختن آب⁽³⁵⁾ و جز آن انجام می‌دادند، منع شدند.

در حوادث سال 284 آمده است که روز چهار شنبه، سوم جمادی الثانیه، یازدهم حزیران (ماه ژوئن)، در چهارسوها و بازارهای بغداد، اعلام شد که کسی در شب نوروز حق روشن کردن آتش و ریختن آب را ندارد. روز پنجشنبه نیز همین اعلان، اعلام شد. اما در عصر روز جمعه، در خانه سعید بن یکسین، رئیس شرطه بغداد، در بخش شرقی بغداد، اعلام شد که خلیفه، مردم را در روشن کردن آتش و ریختن آب آزاد گذاشته است. پس از آن توده مردم، حتی بیش از حد به این کار پرداختند به طوری که بر روی اصحاب⁽³⁶⁾ شرطه نیز در مجلس جسر (پل) آب ریختند

برگزاری مراسم نوروز نه تنها در شرق اسلامی، بلکه در غرب نیز رواج یافته است. به نقل مقریزیه در سال 363 هجری، المعزالدین الله، خلیفه فاطمی مصر، دستور داد تا از روشن کردن آتش در شب نوروز و همچنین ریختن آب خودداری کنند. در همانجا آمده است که در سال 361، آتش بازی گسترده‌ای در قاهره انجام شده و این کار سه روز ادامه یافته است. بدنیال بود، معز فاطمی مردم را از روشن کردن آتش و همو آورده است که در سال 517 هجری نیز⁽³⁷⁾ ریختن آب منع کرده و کسانی را نیز گرفته و حبس کردند. در روز نوروز هدایای گرانبهایی از طرف امرا تقدیم شده که بسیار بسیار مفصل و گرانقیمت بوده است همو در سالهای بعد از آن روز، که از آن با عنوان نوروز قبطی یاد شده، از گستردگی بازی و کارهای⁽³⁸⁾ در منابع فقهی اهل سنت هم،⁽³⁹⁾ ضد اخلاق و گرفتن هدیه توسط امیر نوروز و جز آن سخن گفته است در⁽⁴⁰⁾ مخالفت با نوروز دیده می‌شود. از جمله غزالی در کیمیای سعادت بر ضد نوروز سخن گفته است منبع دیگری، گفته شده است: روزه گرفتن روز شنبه، کراهت دارد چون تشبه به یهود است. نیز روزه ابن قدامه نیز نوشته است: روزه گرفتن⁽⁴¹⁾ گرفتن نوروز و مهرگان، چرا که آن هم تشبه به مجوس است گفتنی⁽⁴²⁾ نوروز و مهرگان کراهت دارد، زیرا این ها، روزهایی است که کفار آن را بزرگ می‌شمردند است که گروه طالبان که در حال حاضر بر افغانستان حاکم‌اند، امسال (1376) اعلام کردند که برگزاری مراسم نوروز بر خلاف اسلام بوده و نباید تعطیل شود

نوروز در منابع شیعی قرن هفتم به بعد

همانگونه که گذشت، منابع بعدی، با تکیه بر سخن شیخ، به بیان اعمال روز نوروز در کنار اعیاد دیگر پرداخته‌اند. اما بحث مهم از این زمان به بعد، بحث از تعیین روز نوروز است. کسانی از فقیهان برای م 786) در کتاب ذکر الشیعة است. وی در (تعیین روز نوروز کوششهایی کرده‌اند. از آن جمله شهید اول آنجا با اشاره به روایت معلی بن خنیس نوشته است که مقصود از نوروز یا اول سال فارسیان یا وارد شدن خورشید در برج حمل (فروردین) و یا دهم ایار (دوم اردیبهشت) است. بدین ترتیب سه قول در این باره نقل کرده که تفصیل آن در سخن ابن‌فهد آمده است

عبارت مفصل در تعیین روز نوروز از احمد بن محمد بن فهد حلی (م 841) است. وی با اشاره به سخن شیخ طوسی در مختصر مصباح المتهد و چهار رکعت نماز مستحبی آن می‌نویسد: «یوم النیروز جلیل القدر اما تعیین روز آن از سال مشکل است. این در حالی است که چون متعلق عبادت الهی شده شناخت آن مهم است و با این حال، از علمای ما جز آنچه ابن‌ادریس گفته متعرض بیان آن نشده است.» سپس ابن‌فهد سخن ابن‌ادریس و شهید را آورده است

آنگاه در باره سخن شهید که گفته روز نوروز یا اول سال فارسیان یا رفتن خورشید به برج حمل است می‌نویسد: قول نخست وی که اول سال فارسیان باشد همان است که در میان فقهای عجم مشهور است. آنها نوروز را زمان وارد شدن خورشید به برج جدی این همان است که نویسنده کتاب الانواء آن را گفته است آنگاه می‌افزاید: آنچه از این تفاسیر درست‌تر است، آن که پس از آن سخن صاحب الانواء را نقل کرده⁽⁴⁴⁾ سپس دلالی برای آن ذکر می‌کند. نوروز همان زمان وارد شدن خورشید به برج حمل (فروردین) است مهمترین دلیل آن که شناخت این روز به عنوان نوروز میان مردم رایج است و طبعاً خطاب باید راجع به همین عرف باشد. آنگاه خود دو اشکال بر این دلیل آورده؛ یکی آن که در همه مناطق عجم، نوروز بر روز اول ورود خورشید در حمل اطلاق نمی‌شود و دوم آن که نوروز بودن روز نخست ماه حمل، نوروز سلطانی است و جدید است. این اشاره به تغییر روز نوروز در زمان سلطان ملک‌شاه سلجوقی است. پاسخ

اگر چنین عرفی در کار نبود، ابن فهد آن است که وقتی عرف مختلف شد، عرف شرعی باید مراعات شود عرف نزدیکترین بلاد به شرح باید مراعات شود. افزون بر آن، هر دو تفسیر از نوروز - اعم از سلطانی و (45) غیر آن - مربوط به پیش از اسلام است

نکته مهم در مطالب ابن فهد آن است که روایت معلی بن خنیس را به گونه‌ای دیگر نقل کرده و شکل مفصل آن را آورده است. وی از نسابه معاصر خود علامه بهاء‌الدین علی بن عبدالحمید نسابه - و او به سند خود تا معلی بن خنیس - روایت مفصلی را در باره روز نوروز آورده است. این روایت پیش از این زمان، در منابع دیگر شیعی نبوده است. روایت چنین است که معلی نقل کرده که امام صادق علیه السلام فرمود: روز نوروز، روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم، برای امام علی علیه السلام در غدیر پیمان گرفت و مردم به ولایت او اعتراف کردند. خوشا به حال کسی که بر آن پیمان باقی ماند و بدا به حال کسی روز نوروز، روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم امام علی علیه السلام را شکست السلام را به وادی جن فرستاد و او بر آنها عهدها و پیمانها گرفت. روز نوروز، روزی است که امام علی علیه السلام بر خوارج غلبه یافت و ذوالنذیه را کشت. روز نوروز، روزی است که قائم ما از اهل بیت علیهم السلام قیام خواهد کرد و خداوند او را بر دجال پیروز خواهد نمود و دجال را بر کناسه کوفه بدار خواهد زد. هیچ نوروزی نخواهد آمد جز آن که ما انتظار فرجی در آن داریم. این از روزهای متعلق به ماست که فارسیان آن را حفظ کردند و شما (عربها) آن را ضایع کردید. یکی از انبیای بنی اسرائیل از خدایش خواست تا قومی را که چندین هزار بودند و از ترس مرگ از دیارشان خارج شده بودند و خداوند آنها را میرانده بود، زنده کند. خداوند به وی فرمود: بر قبرهای آنان آب بریز. او در این روز، بر قبور آنها آب ریخت و آنها که سی هزار تن بودند زنده شدند. همین امر سبب شد تا ریختن آب در روز نوروز سنت شود، امری که سبب آن را جز راسخان در علم نمی‌دانند. روز نوروز، اول سال فارسیان است. معلی می‌افزاید: آن حضرت این مطالب را بر من املا کرد و من از املائی آن حضرت آن را نوشتم (46).

ابن فهد، به دنبال آن، روایت دیگری از معلی نقل کرده است. در این روایت آمده است که امام صادق علیه السلام در صبحگاه نوروزی که معلی به خدمت آن حضرت رسیده بود، از ایشان شنید که: روز نوروز، روزی است که خواند از بندگانش پیمان گرفت تا او را عبادت کرده به وی شرک نوزند و به انبیای او، حجج او و اولیای او ایمان بیاورند. روز نوروز، نخستین روزی است که خورشید در آن طلوع کرد و بادها وزیدن گرفت و در زمین شکوفه پدید آمد (و خلقت فیه زهرة الارض). روز نوروز، روزی است که کشتی نوح بر کوه جودی فرونشست و روزی است که خداوند کسانی را که از ترس مرگ از سرزمینشان و روزی است که جبرئیل بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرود. خارج شده و مرده بودند زنده کرد آمد. و روزی است که ابراهیم بتهای قومش را شکست. و روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم امام علی علیه السلام را بر دوش گرفت تا بتهای قریش را در مسجد الحرام شکست (47).

ابن فهد به چهار نکته در این دو روایت توجه کرده. یکی تطبیق روز نوروز با روز غدیر یعنی هیجده دوم سنت آب ریختن که در بهار معنا دارد نه در ماه جدی (دی‌ماه). سوم. ذی‌حجه سال دهم هجرت است خلقت خورشید در این روز که با سخن منجمان سازگار است و چهارم شکوفه دادن زمین که باز در بدین ترتیب وی خواسته تا از این روایت نتیجه بگیرد که روز نوروز (48). فروردین است نه در دی‌ماه همان زمان ورود خورشید به حمل یعنی آغاز فروردین ماه است. به نظر می‌رسد این قدیمی‌ترین بحثی است که در کتابهای فقهی شیعه در تعیین روز نوروز شده و بعد از آن در دوره صفوی مکرر مورد نقد و ایراد قرار گرفته است.

مشکل این دو حدیث آن است که در منابع کهن شیعه نیامده است. افزون بر آن، روایات مزبور که در اصل باید یکی باشد، حاوی دو نوع آگاهی در باره روز نوروز است که این خود منشا شبهه در باره آن شده و احتمال جعل آن را تقویت می‌کند. افزون بر آن، دانسته است که، ابن غضائری گفته: غالبان روایاتی را به در این صورت، این روایت که (49). معلی بن خنیس نسبت داده و نمی‌توان بر اخبار وی اعتماد کرد بی‌گرایش غالبانه یا نگرش افراطی هم نیست، از همان دسته مجعولاتی باشد که غالبان به معلی نسبت داده‌اند. باید این نکته را نیز یادآوری کرد که گفته شده قرامطه - گرایشی وابسته به مذهب افراطی

بلافاصله باید تاکید کنیم⁽⁵⁰⁾. اسماعیلیه - دو روز را در سال که نوروز و مهرگان بوده، روزه می‌گرفته‌اند که مجوسیان، نه تنها نوروز را روزه نمی‌گرفته‌اند، بلکه به نقل بیرونی، اساساً «مجوس را روزه‌ای نیست»⁽⁵¹⁾. و هر کس از ایشان روزه بگیرد گناه کرده است

یاد از این نکته لازم است که بخش ریخت آب روی مردگان که به یکی از انبیای بنی‌اسرائیل نسبت داده در همانجا آمده که وقتی از مامون در باره سنت آبپاشی در⁽⁵²⁾ شده، در روایتی از ابن‌عباس آمده است روز نوروز سؤال شد، نوروز را همان روزی دانست که آن مردگان از قوم بنی‌اسرائیل در آن زنده شدند. تواند بود که این روایت از اسرائیلیات نیز باشد که در جامعه اسلامی به نوعی با عقائد رایج پیوند داده شده است.

از همه اینها گذشته، شاید تاویل دیگری برای این روایت بتوان جستجو کرد و آن این که - در صورت درستی صدور آن از امام صادق علیه السلام - شاید امام، خواسته‌اند بفرمایند که اصولاً هر روزی که نشانی از پیروزی آیین الهی در آن باشد، نوروز است. درست همان طور که در یکی از روایات سابق الذکر آمده بود که امام علی علیه السلام فرمود: هر روز ما را نوروز کنید. این معنا برای نوروز، کاملاً مطابق تعبیر ایام الله است که در قرآن به روزهای متعلق به خداوند اطلاق شده است. البته با این تاویل باید، آنچه در روایت در باره نوروز فارسیان آمده، قدری اصلاح شود! در گزارش برخی از رساله‌های دوره صفوی، اشکالات دیگری بر متن این خبر وارد شده که به موقع اشاره خواهیم کرد

نوروز و نوروزیه‌های دوره صفوی

چنین به نظر می‌رسد که نوروز، در فرهنگ مسلمانان شرقی، حتی با وجود مخالفت‌های برخی از فقهای سنی‌مذهب، دوام آورده است. عجیب آن که برخی از آداب و رسوم خاص آن مانند چهارشنبه سوری و سیزده بدر که از پیش از اسلام وجود داشته، و بی‌پایگی آن از نگاه اسلام بر همه روشن بوده، به دلیل همسویی نوروز با طبیعت و نیز دخالت آن در تعیین خراج سالانه، همچنان حفظ شده است. حضور این عید در بخش وسیعی از دنیای اسلام در حال حاضر، از نواحی عراق و ترکیه گرفته تا جمهوری آذربایجان، جمهوری‌های آسیای میانه، افغانستان، پاکستان و طبعاً ایران، نشان آن است که پیش از تشکیل دولت صفوی، این عید مورد اعتنای کامل بوده است. در اینجا باید دو نکته را مورد توجه قرار داد

نخست آن که در دوره صفوی، تاریخ قمری و شمسی رواج داشته و طبعاً مراسم نوروز برگزار می‌شده است. اولناریوس در آن عهد چنین نوشته: «ایرانی‌ها سال خود را برحسب حرکت خورشید و ماه تعیین و تنظیم می‌کنند و به همین جهت دارای دو نوع سال شمسی و قمری می‌باشند. سال قمری از نظر مذهبی برایشان اهمیت دارد که اعیاد و روزهای سوگواری خود را برحسب آن سال تعیین می‌کنند.» وی پس از آن اشاره کرده که ایرانیان، عمر خود را برحسب سال شمسی محاسبه کرده و مثلاً می‌گویند که فلان مقدار وی چهارشنبه آخر سال را که چهارشنبه سوری بوده، از ایام مورد⁽⁵³⁾ نوروز از عمر آنها گذشته است توجه مردم یاد کرده و گفته است که مردم آن را بدترین روزهای سال دانسته کار را تعطیل می‌کنند» از خانه کمتر خارج شده و حتی المقدر کمتر حرف می‌زنند و سعی می‌کنند به کسی پولی ندهند ... عده‌ای هم کوزه‌های خود را برداشته ... به خارج شهر رفته و وزه را از آب پر کرده و آن را می‌آورند و به خانه و اطاقهای خود می‌پاشند و عقیده دارند که چون آب، صاف و پاک است، پلیدیها و بدبختیها را از خانه شسته با تاورنیه نیز از عید نوروز به با این عبارت که از اعیاد بزرگ ایرانیان است سخن گفته⁽⁵⁴⁾ «...خود می‌برد و می‌نویسد: در این روز تمام بزرگان برای سلام شاه به دربار حاضر می‌شوند و هر کس به اندازه شانش باید ارمغان و پیشکشی به شاه بدهد ... و در این روز شاه ثروت گزافی به دست می‌آورد ... برای روز اول سال، اگر یک ایرانی اتفاقاً پول نداشته باشد که قبای نو تدارک نماید، اگر باید تن خود را گرو بگذارد شواهد فراوانی در باره اهمیت برگزاری مراسم نوروز⁽⁵⁵⁾ می‌گذارد و قبای نو را حتماً به دست می‌آورد. در میان ایرانیان در دوره صفوی در دست است که نیازی به نقل آنها نیست

نکته دوم آن که این مساله را باید از زاویه دیگری نیز مورد توجه قرار داد و آن این که با پیدایش دولت‌شعبی، طبیعی بود که روزهایی که در فرهنگ فقهی و تاریخی شیعه، از اهمیتی برخوردار

است بزرگ داشته شده و به عنوان شعائر شیعی بزرگ داشته شود. این روزها، یا روزها عزا و مصیبت بودند و یا روزهای شادی و فرح. نوع دیگر، روزهایی بود که در تقویم مذهبی، عباداتی برای آنها در نظر گرفته شده بود. با توجه به اختلافاتی که در تعیین این روزها وجود داشت، لازم بود تا تحقیقی در باره تعیین روز دقیق آنها صورت گیرد. به عنوان نمونه چندین رساله مولودیه نوشته شد تا اثبات شود تولد همینطور رساله‌ای به (56). رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در دوازدهم ربیع الاول بوده یا در هفدهم آن دستور شاه سلطان حسین صفوی نوشته شد با عنوان هدایة الصالحین در اثبات آن که تولد امام علی علیه السلام در سیزدهم رجب بوده و سایر اقوال نادرست است (57).

به علاوه، مردم نیاز به تقویمهایی داشتند تا به معرفی این روزها پرداخته و آداب و عبادات ویژه آنها را بیان کند. نمونه آن کتاب تقویم المحسنین فی معرفة الساعات و الايام و الاسبوع از فیض کاشانی (م 1091) و اختیارات علامه مجلسی (م 1110) است. باید اعتقاد به خوبی و بدی ساعات را هم به این مطالب افزود. مجموع این مسائل، جریانی را در رساله‌هایی که به این مسائل هم پرداخته به آنچه گذشت، اضافه کرد. تالیف پدید آورد که به نوعی با بحث تقویم ارتباط می‌یافت.

با توجه به آنچه در آغاز بحث در باره تفاوت نوروز قدیم با نوروز جلالی گفته شد، بحث از تعیین روز نوروز و این که آیا نوروز وارد شده در روایات، همین نوروز مرسوم است یا نه، در میان علما بالا گرفت. پیش از آن نیز، همانطور که گذشت، ابن فهد در قرن نهم، نسبتاً مفصل به آن پرداخته بود. استدلالهایی که در این قبیل رساله‌ها آمده، به طور عمده بر پایه مطالب نجومی، تاریخی و نیز روایاتی است که به آنها اشاره کردیم. افندی با اشاره به رساله میرزا ابراهیم حسینی می‌نویسد: او رساله‌ای نوشت که نوروز، درست همین روزی است که اکنون مرسوم است. آقا رضی قزوینی رساله‌ای در انکار این مطالب نوشت. همین طور محمدحسین بن میرزا ابوالحسن قائنی و میرزا رضی الدین محمد مستوفی خاصه اصفهان دو رساله در تایید تطبیق روز نوروز وارد شده در روایات با آنچه مرسوم است نوشتند. افندی می‌نویسد: و قد صارت هذه المسألة مطرحاً لاراء الفضلاء (58).

در این دوره افزون بر بحثهای نجومی و اصولی و فقهی در این باره، یکی دو روایت دیگر در باره نوروز که در منابع پیشین شناخته شده نیامده، مطرح گردید. يك روایت را مرحوم علامه مجلسی در بحار بدون آن که نام منبعش را یاد کند، با این عبارت که: رایت فی بعض الكتب المعتمدة آورده و سندی بر آن از همان کتاب نقل کرده است. راوی این روایت معلی بن خنیس است اما نه در حد چند سطر که در مصباح شیخ آمده و یا یکی دو صفحه‌ای که در المذهب ابن فهد آمده، بلکه ده صفحه بحار را به خود اختصاص داده است. آنچه در این روایت افزون بر نقل ابن فهد آمده، تفصیلی است که معلی از امام خواسته تا نامهای فارسی (59) سی روز ماه را بیان کند. به دنبال آن سی نام فارسی همچون هر مزد روز، بهمن روز، اردی بهشت روز و... آمده است. علامه مجلسی روایت مزبور را بار دیگر از منبع دیگری آورده اما در آنجا نیز نام منبع یاد نشده، بلکه آمده است: وجدت فی بعض كتب المنجمين مرويا عن الصادق عليه السلام... در این نقل، نیز همان روایت را نقل (60). بخش اول سخن امام با معلی نیامده بلکه تنها نامهای ایرانی سی روز آمده است جالب آن که علامه پس از نقل (61)... کرده بدون نام منبع و تنها با عبارت: و روی ایضا فی بعض الكتب این سه روایت می‌نویسد: این روایات را ما از کتابهای منجمان نقل کردیم، زیرا از ائمه ما روایت کرده بودند اما من بر آنها اعتمادی ندارم. در نسخ آنها نیز اختلافاتی زیادی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره کردم. حقیقت آن است که این اسامی برای سی روز از منجمان بوده و روشن نیست به چه دلیل به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است. علامه مجلسی به نقل از ابوریحان - و قاعدتا از الاثار الباقیه - آن نامهای ایرانی را آورده است (62).

افزون بر این روایت، نقل دیگری هم در دوره صفوی مطرح بوده و آن این است که هفت سلام به مشک و زعفران نوشتن و غسله آن را نوشیدن و چهل مرتبه سوره یس را بر انار خواندن و شصت مرتبه این دعا را خواندن که یا محول الحول و الاحوال حول حالنا الی احسن الحال. این نقل را آقارضی قزوینی آورده و (63). افزوده که در جایی معتبر به نظر نرسیده است

- 1 - النوروزیه، مؤلف ناشناخته. تالیف شده به نام شاه طهماسب. ملامحمد جعفر فرزند محقق سبزواری از - ذریعه 24 / 382، ش 2054. آن نقل کرده است
- 2 - النوروز، محمد ابراهیم الحسینی المدرس الخادم، (رد بر نوروزیه آقا رضی قزوینی) ذریعه، 24 / - 379، ش 2040 و نک : ش 2049
- نوروز، همان رساله به فارسی - 3
- 4 - نوروزیه، محمد تقی بن محمد رضا رازی. تالیف شده به اسم شاه صفی (سلطنت از 1038 - 1052). - نسخه‌ای از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه (فهرست 12 / 2517) و کتابخانه ملک موجود است. ذریعه، 24 / 383، ش 2053
- 5 - نوروز و سی روز، فیض کاشانی (م 1091)، در شرح فارسی حدیث معلی بن خنیس. فیض چندین رساله در تقویم دعایی دارد. از جمله تقویم المحسنین و معیار الساعات. رساله نوروز و سی روز را دکتر معین همراه گفتاری تحت عنوان روز شماری در ایران باستان در سال 1325 شمسی (توسط انجمن ایران شناسی) چاپ کرده است. ذریعه 24 / 380، ش 2048
- 6 - نوروزیه، اسماعیل بن محمد باقر خاتون آبادی (م 1116)، تالیف شده به نام شاه سلیمان صفوی در یک - مقدمه، دوازده باب و یک خاتمه. ذریعه، 24 / 2051
- 7 - نوروزیه، محمد باقر بن اسماعیل خاتون آبادی (م 1127)، تالیف شده به نام شاه سلطان حسین صفوی. - نسخه آن در دانشگاه تهران (فهرست 2 / 1266) موجود است. ذریعه 24 / 379، ش 2042
- 8 - نوروزیه، ملاباقر بن اسماعیل کجوری. گفته شده در این رساله، مؤلف میرمخدوم شریفی را که در نواقض الروافض بر ضد غدیر و نوروز سخن گفته رد کرده است. آقابزرگ نسخه‌ای از آن شناسانده است. ذریعه، 24 / 382، ش 2052
- 9 - نوروزیه، ملامحمد جعفر بن محمد باقر سبزواری. نسخه‌ای شخصی از آن را آقابزرگ دیده و عبارت - ذریعه 14 / 382، ش 2055. نخست آن را آورده است
- 10 - نوروزیه، مؤلف؟ نسخه‌ای از این رساله به شماره 1015 در کتابخانه آیه‌الله مرعشی موجود است و - در آن تاریخ 1084 آمده است
- 11 - نوروزیه، آقارضی قزوینی. بسیاری بر این رساله رد نوشته‌اند. نسخه‌ای از آن به خط مؤلف در - ، ش 2058 / 383 کتابخانه ملی موجود است. ذریعه
- 12 - نوروزیه، میرمحمد حسین بن محمدصالح خاتون آبادی. نسخه‌ای از آن در کتابخانه حضرت - عبدالعظیم علیه السلام موجود است. ذریعه 24 / 383، ش 2056
- 13 - نوروزیه، میرزا محمد حسین بن میرزا ابوالحسن قاننی. ردی است بر رساله آقارضی قزوینی. ذریعه - 24 / 383، ش 2057
- 14 - نوروزیه، رضی الدین محمد مستوفی در رد بر آقا رضی. آقابزرگ نسخه‌ای از آن شناسانده است. - ذریعه 24 / 383، ش 2059

نوروزیه، محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 56، صص 91 - 143. این مدخل، گرچه رساله - 15 مستقلی نیست، اما، به دلیل آن که مرحوم مجلسی مفصل در این باره سخن گفته، در اینجا معرفی شد.

رساله در فضیلت روز نوروز، مؤلف؟ نسخه‌ای از آن در نه برگ در کتابخانه مسجد اعظم - 16 (فهرست، ص 459) موجود است.

نوروزنامه، مؤلف؟ نسخه آن در کتابخانه مسجد اعظم (فهرست، ص 572) موجود است - 17.

نوروزنامه، مؤلف؟ نسخه آن در کتابخانه آیة‌الله گلپایگانی (فهرست، 3 / 79) موجود است - 18.

نوروزیه، عماد الدین محمود بن مسعود. تالیف شده بنام سلطان حمزه میرزا. نسخه‌ای از آن در - 19 (ش 2107) موجود است. در آنجا از مؤلف به عنوان جالینوس 1167 / 4 کتابخانه وزیری یزد (فهرست، ثانی یاد شده است. نیز مطالب آن در رساله خواجهی که ناظر به آن رساله تالیف شده آمده است.

نوروزیه، ملا اسماعیل خواجهی (م 1173). شرح و نقدی است بر رساله عمادالدین بن مسعود. - 20 ذریعه 24 / 381، ش 2050 (این رساله را آقای سیدمهدی رجایی در میراث اسلامی ایران دفتر چهارم) چاپ کرده است.

نظم حدیث معلی بن خنیس منسوب به خواجه در کتاب سی روز و نوروز فیض کاشانی آمده و بیت - 21: اول آن چنین است:

بقول جعفر صادق خلاصه سادات

(64) از ماه فارسیان هفت روز مذموم است

نوروزیه، میرزا محمد مهدی بن هدایة‌الله خراسانی (1152 - 1217) ردی است بر رساله خواجهی. - 22 نسخه‌ای از آن در کتابخانه مجلس (فهرست 9 / 322 - 326). فهرست نویسنده محترم به تفصیل گزارش آن را آورده) موجود است. ذریعه 24 / 384، ش 2062

نوروزیه، غیاث الدین ادیب کاشانی، معاصر ناصرالدین شاه قاجار. در این رساله اقوال پیشینیان آمده - 23 نسخه‌ای از آن در کتابخانه ملی (فهرست 1 / 399) موجود است. ذریعه 24 / 384، و بررسی شده است ش 2060

در فهرست نسخه‌های خطی فارسی 1 / 367 چندین رساله نوروزیه که مؤلف آنها ناشناخته است، معرفی شده است.

گزارش رساله آقارضی قزوینی

از رساله‌های نوروزیه کوتاه این دوره که مورد انتقاد برخی قرار گرفته، رساله نوروزیه آقارضی قزوینی است که آن را در سال 1062 هجری نگاشته است. عقیده وی آن است که نوروز در روایات، به هیچ یک از اقوالی که در باب تعیین نوروز گفته شده قابل تطبیق نیست. عجیب آن که وی به هر روی راه حل صریحی به دست نداده است. در اینجا مهمترین بخش رساله را که به طور عمده در انکار تطبیق نوروز رایج با نوروز یاد شده در روایات است می‌آوریم.

آقارضی ابتدا حدیث معلی بن خنیس را، آن گونه که شیخ آورده نقل کرده؛ آنگاه با نقل روایت مربوط به دعای یا محول الحول و الاحوال، و یاد از این نکته که در جای معتبری آن را ندیده، می‌نویسد: با اشاره به استحباب اعمال مذکوره در نوروز و این که این اعمال موقته است و در امثال این عبادات اگر التزام

وقت خاص نشود و در اوقات دیگر به عمل آید بدعت باشد می‌افزاید: «بنابر این تعبد به این عمل مکلفی تواند که لااقل ظنی به تعیین وقت مذکور تحصیل کرده باشد و تحصیل این ظن لامحاله از امارات شرعی و عرفیه تواند بود. و چون در عرف به اعتبار اختلاف اصطلاحات حسابیه، نوروز متعدد است، چنانکه بعضی از آن بعد از این مذکور می‌گردد، و شهریه بعضی به بعضی از منہ اماره نمی‌شود و در ظاهر قرآن چیزی در این باب نیست، اماره آن از روایات و اخبار تتبع باید نمود.» وی آنگاه نقلی را که این فهد در المهدب آورده و ضمن آن به تطبیق روز غدیر با نوروز و همینطور روز شکستن بتها با آن شده آورده و در پایان ترجمه آن نقل می‌نویسد: «روز اول سال فرس که صریح خاتمه حدیث است، چنانکه با اماره‌ای که «در صدر حدیث مذکور است موافق باشد، صعوبتی تمام دارد و وجهش عن قریب ظاهر خواهد شد»

پس از آن سخن ابن‌ادریس را در تعیین روز نوروز آورده که گفته است این روز همان دهم ماه ایار رومی است. آقاری به تفصیل در نادرستی این نظر سخن می‌گوید. وی می‌نویسد: و آنچه از بعضی از محصلین نقل کرده، اگر مراد این باشد که نوروز عبارت از روز دهم ایار است ظاهر البطلان است چه اطلاق لفظ نوروز بر آن به هیچ اصطلاح متعارف نیست. و اگر مطلب این باشد که در سالی از سالها مطابق دهم ایار بوده کلام بی‌فائده است. و اگر مراد این باشد که همیشه مطابق دهم ایار است این نیز باطل است. و تفصیل بیان آن که اهل فرس به اتفاق علمای هیئت و حساب، تا ظهور جلال‌الدین ملک‌شاه سلجوقی در سال شمسی دو اصطلاح داشته‌اند. اول اصطلاح قدیم که مبدا آن از زمان حمشید بوده و بناء حساب آن بر صدی موافق رصد ابرخس است که مدت یک دوره شمس را به حرکت خاصه 365 روز و ربعی یافته و طریق آن بوده که هر سال از 119 سال را 365 روز گیرند و در سال 120 به جهت کبیسه و اصلاح ربع، یک ماه افزایند که آن سال 395 روز شود. و نقل کرده‌اند که جلوس هر پادشاهی در هر وقت که اتفاق افتادی، مبدا ساختندی و به تتمه سابق نپرداختندی و ضبط سال به این اصطلاح در زمان ما بلکه از زمان دیگر اصطلاح جدید که الیوم به تاریخ قدیم مشهور است و در تفاوتی ضبط می‌کنند و یزدجرد متروک است مبدا آن از جلوس یزدجرد شهریار است که در ربیع الاول احدی عشر من الهجرة بوده است و هر سال ایشان 365 روز است بی‌زیاده و نقصان و دست از اصطلاح کسر بالکلیه برداشتند و لهذا اول سال ایشان در که سال ... جمیع فصول اتفاق می‌افتد و در عهد سلطان ملک‌شاه بناء حساب سال را بر رصد بطلموس شمسی را 365 روز و پنج‌ساعت و نیم و کسری یافته‌اند نهادند و روز جمعه دهم رمضان سنه 471 که شمس قبل از وصول به نصف النهار از حوت نقل به حمل کرده بود اول فروردین ماه و روز نوروز نامیدند. و به سبب اعتبار که در هر سال نوروز از دایر بودن در فصول یا اجزای آن چنانچه از اصطلاحین سابقین لازم می‌آید ضبط کردند و اشهر اصطلاحات نوروز در زمان ما این است اما هیچ یک از این اصطلاحات ثلاثه با حساب روم موافق نیست، چه اصطلاح روم که ابتدای آن از عهد اسکندر است یا دوازده سال بعد آن، اگرچه در این معنی که نزد ایشان رصد ابرخس معتبر است با اصطلاحین اولین موافق است اما در طریق اصلاح کسر با هیچ یک موافقت ندارد، چه در طریق ایشان، چنانکه الحال نیز مشهور است و منجمان در تفاوتی ضبط می‌کنند هر سال را 365 گیرند تا سه سال و سال چهارم را 366. پس تعیین نوروز فرس با یکی از ایام مشهور سال رومی که مخالف جمیع اصطلاحات فرس است خطا باشد

و قطع نظر از این مخالفت با آنچه در صدر حدیث سابق مذکور شد که در این روز پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم عهد گرفت به غدیر خم جهت امیر المؤمنین (ع) از روی حساب درست نمی‌آید بیانش آن که از تاریخ هیجدهم ذی الحجة الحرام سال دهم از هجرت که به اتفاق نص غدیر خم در آن روز واقع شده تا هیجدهم ذی الحجة سال 1062، 1052 سال قمری است و هر سال قمری به اتفاق عبارت است از 354 روز و کسری و این کسر به اتفاق، در هر سی سال، 11 روز می‌شود بی‌زیاده و نقصان. بنابر این به قواعد حسابیه مدت مذکوره 372794 روز است و چون این عدد بر عدد ایام سال شمسی به اصطلاح روم که 365 روز و ربعی است قسمت کنیم، خارج قسمت 1020 سال رومی و 39 روز می‌شود. پس اگر روز غدیر حجة الوداع دهم ایار ماه بودی، در سال 1062 بایستی دهم ایار ماه رومی، در پانزدهم شهر ربیع الثانی باشد و حال آن که در این سال، در اواسط شهر جمادی الاخره است. و اگر بالفرض مطابق نیز بودی، بیش از این لازم نیامدی که نوروز فرس در حجة الوداع، چنانکه مطابق 18 ذی الحجة عربی بوده با دهم ایار ماه رومی نیز موافق افتاده و از این موافقت لازم نیاید که نوروز فرس را همیشه آن روز اعتبار کنند و این معنا بسیار ظاهر است

و از این حساب معلوم توان نمود که نوروز فرس مطابق نوروز جلالی که در میان ما معروف است نیست، چه سال جلالی از سال رومی بنابر ارساد معتبره در مدت مذکوره قریب به هشت روز ناقص است. پس اگر هیجدهم ذی الحجه با نوروز فرس به این اصطلاح مطابق بودی، بایستی که در این سال نوروز جلالی در هفتم ربیع الثانی باشد و حال آن که در نهم شهر مذکور است. با آن که قطع نظر از حساب مذکور، معلوم است که حدوث این اصطلاح به چند قرن بعد از زمان حضرت رسول و اهل بیت علیهم السلام بوده. پس چون تواند بود که بنای احکامی که از ایشان مروی است بر این اصطلاح باشد؟

و از این بیان روشن می‌شود که نوروز فرس مذکور، مطابق نوروز یزدجردی نیز نیست، چه حدوث آن چنانکه مذکور شد، قریب به سه ماه بعد از غدیر حجة الوداع است و قطع نظر از آن، حساب مذکور میطل آن است، چه هر گاه عدد ایام مذکوره را بر سال یزدجری که 365 روز است قسمت کنند، خارج قسمت 1021 سال و 129 روز باشد، پس اگر غدیر حجة الوداع با نوروز یزدجری موافق بودی، بایستی که نوروز مذکور در سال 1062 بر 18 ذی حجه این سال، به 129 نوروز مقدم بودی، یعنی در نهم شعبان اتفاق افتادی و حال آن که در این سال، اول فروردین ماه ایشان که به نوروز کبرا اشتهار دارد، مطابق دهم ذی‌القعدة الحرام و اول آذرماه ایشان که بعد از خمهسه آبان است و اعتبار اول سال در این نیز احتمالی هست در نهم رجب واقع است. پس هیچکدام نوروز معتبر شرعی که به نص حدیث مطابق روز غدیر حجة الوداع بوده‌باشد، نباشد.

اما نوروز جمشیدی، چنان که مذکور شد در زمان ما بلکه از زمان یزدجرد مضبوط نیست و ماههای کبیسه آن مجهول است. لیکن این قدر معلوم است که تفاوت آن از سال رومی، اگر مبدا یکی باشد، هرگز زیاده از (65) یک ماه نشود و این قدر در تعیین آن در زمان ما کافی نیست. و العلم عندالله

گزارش رساله خواجویی

محمد اسماعیل خواجویی (متوفای 1173) از علمای بعد از فتنه افغان است که رساله‌های فراوانی در یکی از رساله‌های وی شرحی است که وی در باب مساله (66) زمینه‌های مختلف علوم اسلامی دارد عقیده (67) نوروزیه نگاشته و نگاه وی به طور عمده به رساله شخص دیگری است با نام محمد بن مسعود وی در این باب آن است که نوروز مذکور در روایات با اولین روز آبان که نوروز قدیم فرس بوده تطبیق می‌کند.

وی در آغاز رساله خود می‌نویسد: «و در تعیین روز نوروز شرعی میان اهل شرع خلاف بود، بعض اصحاب کیاست و زکی از این شکسته بی‌دست و پا العبد الجانی محمدبن الحسین المشتهر باسماعیل المازندرانی عفی عنه التماس نموده و استدعا فرموده که اشاره اجمالی به اختلاف فقها و مختار علما در باب نوروز فیروز نموده، اشاره فی الجملة به مختار خویش نیز نماید». نوشته وی، همانگونه که در آغاز آورده ناظر به رساله محمد بن مسعود است.

در ادامه آمده: «فقیر گوید: صاحب رساله (همان محمد بن مسعود) گفت که چون این معلوم شد گوئیم: روز نوروز روزی است که در اول آن روز یا قبل از نصف‌النهار آن روز یا در نصف‌النهار و بعد از نصف‌النهار پیش از آن روز به واسطه آفتاب به نقطه اول نزول کند. فقیر بی‌بضاعت گوید: مشهور بین المنجمین آن است که اگر تحویل جرم آفتاب از آخر حوت به اول حمل قبل از زوال واقع شود آن روز نوروز است، و اگر بعد از زوال واقع شود روز دیگر نوروز است.» از نظر وی، در تعیین روز نوروز، ملاک همان عرف است زیرا: «پس اهل شرع نوروز روزی را گویند که اهل عرف آن روز را نوروز «گویند نه اول روز که آفتاب در تمام آن روز به حمل انتقال کرده باشد

پس از آن در تعیین روز نوروز به نقل صاحب رساله، روایت معلی بن خنیس را که به دو صورت در مصادر آمده نقل کرده آنگاه می‌افزاید: «فقیر بی‌بضاعت گوید: به حسب ظاهر میان این حدیث و حدیث سابق تناقض است، چه در حدیث سابق مذکور است که پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم در روز نوروز امیر المؤمنین علیه السلام را به دوش مبارک برداشته تا بتان قریش را از فوق کعبه به زیر انداخته شکست و

فانی ساخت، و این بلا شبیه در سال فتح مکه معظمه بود، چنانچه اخبار بسیار از طرق خاصه و عامه دلالت بر این دارد... و فتح مکه معظمه در ماه مبارک رمضان سال هشتم هجرت واقع شد، چنان که شیخ مفید و شیخ طبرسی و ابن شهر آشوب و دیگران روایت کرده‌اند، و احادیث معتبره بر این دلالت کرده است، و اکثر بر آنند که در روز سیزدهم ماه بوده، و بعضی بیستم هم گفته‌اند، و حرکت حضرت از مدینه در روز جمعه دوم ماه مبارک رمضان بعد از نماز عصر بوده، و روز غدیر خم در سال دهم هجرت در حجة الوداع در روز هجدهم ذی الحجة الحرام بود. پس چگونه تواند بود که هر دو در روز نوروز باشد، چه نوروز از قرار حساب گذشته بعد از شش هفت سال از فتح مکه معظمه بلکه بیشتر به ذی الحجة خواهد رسید نه بعد از یک سال، چنانچه مقتضای این دو حدیث است

وی ادامه می‌دهد: «و چون هر دو به یک طریق از معنی منقول است ... پس ترجیح احدهما بر دیگری من حیث السند متصور نیست، و بنابر این مضمون هیچ یک حجت نخواهد بود، و بر آن اعتماد نشاید کرد، و به او استدلال نتوان نمود، چه تناقض در کلام معصومین غیر واقع است. پس از اینجا فهمیده می‌شود که این دو حدیث کلاهما او احدهما از معصوم متلفی نگردیده، و چون از او نباشد حجیت را نشاید و سند شرعی نتواند بود، فافهمه. و عجب است آنکه صاحب رساله و عالی حضرت مستدل شیخ ابن فهد و سائر علمای سلف رحمهم الله در این مدت متمادی که قریب به هزار و صد سال است، یعنی از زمان ورود حدیث الی زماننا هذا متفطن به آنچه گفتیم نشده‌اند. و از این حدیث استدلال بر تعیین روز نوروز شرعی نموده‌اند و فرموده‌اند که آن روزی است که آفتاب به اول حمل رفته باشد چنانچه خواهد رسید مع ما فیه

خواجهی ادامه می‌دهد: «حقیر بی‌بضاعت گوید: پوشیده نیست که کلام معنی (بن خنیس) که این قدر می‌دانم که عجم این روز را تعظیم می‌کنند و مبارک می‌دانند، و قول حضرت صادق - علیه السلام - که این روز را اهل فرس ضبط کرده‌اند، و قول آن حضرت که روز نوروز اول سال فارسیان است چنانچه خواهد رسید، دلالت بر آن کند که این روز غیر نوروزی بوده است که منسوب به سلطان جلال‌الدین ملک شاه چه این نوروز در بلاد و لغات اعاجم آن زمان و مکان شایع و معروف نبوده است، و ایشان ضبط آن نکرده بوده‌اند، و اول سال ایشان نبوده است، بلکه بعد از مدت‌های متمادی به وضع گماشته‌گان سلطان حدوث یافته، و به مرور شهرور و دهور ذایع و شایع شد. و آنچه در میان اعاجم آن زمان مشهور و معروف بوده اول علیه السلام - در آخر حدیث معنی اشاره به آن خواهد فرمود، - سال فارسیان بوده، چنانچه حضرت صادق و اول سال ایشان اول جلوس یزدجرد بن شهریار بود که اول فروردین ماه قدیم است نه جلالی، و آن روزی است که آفتاب به اول عقرب رفته باشد. و ظاهراً صاحب رساله و احمد بن فهد حلی و محمد صالح الحسینی (خاتون آبادی) اول سال فارسی را عبارت از اول حمل که مبدء سال تاریخ ملکی است گرفته‌اند، و این به غایت بعید بل اشتباه شدید است

خواجهی این نظر را پذیرفته است که نوروز موجود در روایات، اولین روز سال فرس قدیم است که در اصل ابتدای حلول خورشید به برج عقرب یعنی آبان ماه می‌باشد. وی می‌نویسد: «پوشیده نیست که کلام شیخ شهید - رحمه الله - صریح است در این که اول سال فارسیان که روز نوروز است نزد ایشان چنانچه حدیث معنی ناطق است بر آن غیر نوروز سلطانی است که در آن روز آفتاب به اول حمل نزول می‌کند، و در کلام امام علیه السلام تصریح است به این که روز نوروز اول سال فارسیان است ... چه این عید از اعیاد قدیمه متداوله میان عجم است در بلاد ایشان، چنانچه از کلام معنی که این قدر می‌دانم که عجم تعظیم این روز می‌کنند و آن را مبارک می‌دانند، و از قول امام به حق ناطق جعفر بن محمد صادق علیها السلام که این روز از قدیم ایام مکرم و محترم بوده مستفاد می‌شود ... به خلاف وضع تاریخ ملکی و نوروز سلطانی که مسبوق است به چهار صد و پنجاه و کسری تقریباً بر ورود این اخبار، پس ورود این بر وفق آن به غایت بعید است. ... و سابقاً مذکور ساختیم که آخوند فیض در رساله مذکوره آورده که روز نوروز نزد فارسیان اول فروردین ماه قدیم است که اول عقرب باشد، و گفته که این است مختار صاحب انواء و مشهور میان فقه‌های عجم در بلاد ایشان

وی سپس به نقد آنچه ابن فهد در تایید مطابقت نوروز در روایات با نوروز به معنای آغاز بهار گفته، پرداخته است. وی در باره استدلال ابن فهد به عرف می‌نویسد: «شهرت این تاریخ و عرف این اصطلاح در

میان مردم در زمان عالی حضرت مستدل و ما بعد آن الی هذه الاوان مسلم است و لکن مفید مطلوب نیست، بلکه باید که این عرف قبل از ورود شرع، یا در وقت ورود آن مشهور و معروف باشد تا احکام شرعی از عبادات و ادعیه بر وفق آن وارد تواند شد. چه متابعت شرع عرفی را که بعد از آن به چهار صد و پنجاه و کسری تخمیناً حادث و بعد از حدوث به مدتهای متمادی به مرور شهر و دهور ذایع و شایع شود بی معنی است. و چون تواند بود که شارع گوید که روزه مثلاً در روز نوزده سنت است و اهل شرع آن زمان و دلیل دیگر ابن فهد آن بود که «از امام علیه السلام منقول .«مکان ندانند که مراد وی از نوزده چه روز است است که روز نوزده بعینه روز غدیر خم است، و روز غدیر در سال دهم هجرت بوده، و حساب کرده اند موافق اول نزول آفتاب به حمل بوده در نوزدهم ذی حجه به حساب تقویم و هلال را در مکه در شب سیام ندیده بودند و در روز هجدهم ذی الحجه بود به روایت.» وی این دلیل را نیز نمی پذیرد زیرا که «سابقاً دانسته شد که بین الحدیثین تناقض است، و تناقض در کلام معصوم روا نیست، دانسته شد که استدلال بهما قبل رفع التناقض بینهما غیر صحیح است، بلکه بر مستدل لازم است که اول رفع تناقض نماید تا استدلال او صحیح و کلام او مقبول شود.» وی محاسبه ابن فهد را هم نپذیرفته و می افزاید: «مؤید آنچه گفته شد این است که از راویان حدیث غدیر که در روز غدیر خم در غدير حاضر و ناظر بوده اند منقول است که آن روز به غایت گرم و با حرارت بوده است. و معلوم است که در اول نزول آفتاب به حمل با وصف سابقه دستبرد برد العجوز اگر هوا در جحفه و ما بین الحرمین در فصل نوزده سلطانی در غایت اعتدال نباشد.» به غایت گرم نخواهد بود، چنان که از حصار غدیر خم مروی است

وی دلایل دیگر ابن فهد را نیز رد کرده و در نهایت از روی احتیاط می نویسد: «چون فهمیده شد که این مسأله خلافی است و دلائل هیچ يك افاده یقین بل ظن به خصوص روزی نمی کند، پس احوط آن است که اعمال روز نوزده در این دو روز که روز نزول آفتاب به اول حمل و اول عقرب باشد کرده شود، چه از اصحاب سائر مذاهب دلیل اقناعی هم به نظر نرسید. و لکن قول شیخ شهید علیه الرحمه که نوزده اول سال فرس است یا حلول آفتاب در برج حمل یا دهم ایار یاد از آن می دهد که او در تعیین روز نوزده مردد است.» میان این سه روز، پس اگر اعمال نوزده در دهم ایار ماه رومی هم کرده شود بهتر خواهد بود

وی در نهایت با تمسک به تسامح در ادله سنن، چنین حکم می دهد که «پس کردن این اعمال در این روز» خالی از اجر نخواهد بود

فصل بعدی وی در بیان برخی از اعمال روز نوزده است که در روایت وارد شده است. يك روایت که در مباحث گذشته از آن یاد نشد چنین است: «و نقل کرده اند که هر که در این روز سیصد و شصت بار آیه الكرسي را تا و هو العلي العظيم بخواند بعد از آن سیصد و شصت بار بگوید: اللهم هذه سنة جديدة و انت ملك قديم اسالك خیرها و خیر ما فیها، و اعوذ بك من شرها و من شر ما فیها، و استکفیک مؤنثها و شغلها یا.» ذا الجلال و الاکرام، تا آخر سال از جمیع بلاها و آفتها محفوظ باشد

و روایت دیگری که پیش از این گذشت چنین است که «و از سیدنا امیر المؤمنین سلام الله علیه مروی است که هر که این هفت آیه مشتمله بر هفت سلام را در روز نوزده بر کاسه چینی به مشک و زعفران بنویسد و به گلاب بشوید، هر که از آن آب بخورد تا سال دیگر هیچ المی و دردی به وی نرسد، و اگر گزنده ای وی را گزد زهر بر او کار نکند به قدره الله تعالی: سلام علی نوح فی العالمین، سلام قولاً من رب الرحیم، سلام علی ابراهیم، سلام علی موسی و هارون، سلام علی آل یس، سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین، سلام هی حتی مطلع الفجر

و در پایان نیز می نویسد: «و چون سائر ادعیه و اعمال شرعی روز نوزده که در کتب اصحاب نقل شده سندی که فی الجملة اعتمادی بر آن باشد ندارد، لهذا به همین قدر اکتفا نمود و بالله التوفیق

پی نوشت ها

فهرستی از آنها را ابوریحان در آثار الباقیه (ترجمه اکبر داناسرشت، تهران، امیرکبیر، 1363) از منابع 1) صص 325 - 333 زردشتی آورده است. ر، ک

مجموع آنچه گذشت، از مقالات تقی زاده (گاه شماری در ایران»، ج 10، صص 3 - 6، (به کوشش 2) ایرج افشار، تهران، 1357) مقاله همو تحت عنوان نوروز در مجله یادگار سال چهارم، ش 7، و مدخل نوروز در لغتنامه دهخدا گرفته شده است. در باره اختلاف در اینکه نوروز سلطانی در سال 467 بوده یا 471 نك : مقالات، ج 10، ص 168 پاورقی. توضیحات محیط طباطبائی در باره سیر تقویم در ایران نیز قابل توجه است. وی مشکل سال 467 یا 471، مساله افزودن پنج روزه زائده را به آخر آبان و اسفند را نیز حل کرده است. نك : تاریخ تحولات تقویمی در ایران از نظر نجومی، میراث جاویدان، شماره 14 - 15، صص 101 - 108.

مقالات تقی زاده، ج 10 «گاه شماری در ایران قدیم»، فصل پنجم، ص 153 به بعد 3)

متن تصویبنامه مجلس شورای ملی را که در شب 11 فروردین ماه 1304 شمسی انجام شده و اسناد 4) پیدایش و سیر تحول تقویم هجری شمسی، محمدرضا صیاد، مجله میراث : دیگر در این باره را ببینید در جاویدان، ش 14، 15، صص 118 - 19

رجال النجاشی، ص 428 5)

الفهرست، ابن الندیم، ص 190 6)

الكافی، ج 5، ص 141 ; كتاب من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 300 ; التهذیب، ج 6، ص 378 7)

كتاب من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 300 8)

همان 9)

الفهرست ابن الندیم، ص 256 ; الانساب، ج 3، ص 37 10)

دعائم الاسلام، ج 2، ص 326 11)

التاریخ الكبير، ج 4، ص 201 12)

عیون اخبار الرضا (ع)، ص 550 13)

این استقصاء بر اساس کار رایانه‌ای است که ضمن آن همه آثار صدوق در برنامه‌ای توسط مرکز 14) کامپیوتری علوم اسلامی قابل جستجو است

این جستجو نیز بر همان اساسی است که در پاورقی پیشین گذشت 15)

عید مهرگان، روز شانزدهم مهرماه برگزار می‌شده است. ر، ك: آثار الباقیه، ص 337 16)

مصباح المتهدج، ص 591 ; بحار الانوار، ج 59، ص 101 ; وسائل الشیعة، ج 7، ص 346 17)

السرائر، ج 1، ص 315 18)

ذخیره الاخره، ص 152 19)

نزّهة الزاهد، 285 20)

مستدرک الوسائل، ج 6، ص 152 از لب اللباب 21)

دیوان السید ضیاءالدین ابوالرضا فضل الله راوندی (تصحیح محدث ارموی، تهران، 1374 ق)، ص 22) 65 و شعری دیگر در 131، و نیز در ص 196

مناقب ابن شهر آشوب، ج 2 ص 379 ; مسند الامام کاظم علیه السلام، ج 1 صص 52 - 51 (23)

جواهر الکلام، ج 5، ص 40 (24)

(تاریخ الطبری، ج 9، ص 218 (حوادث سال 245) 25)

همانجا، ج 10، ص 39 (26)

(همانجا، ج 11، ص 203 (حوادث سال 301) 27)

تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 306 (28)

همانجا، ج 2، ص 306 (29)

(تاریخ الطبری، ج 6، ص 659 (حوادث سال 101) 30)

تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 313 (31)

تاریخ الطبری، ج 7، ص 277 (32)

(همانجا، ج 9، ص 184 (حوادث سال 236) 33)

مقالات تقی زاده، ج 10، ص 155 (34)

تاریخ الطبری، ج 10، ص 39 (35)

همانجا، ج 10، ص 53 (36)

الخطط المقریزية، ج 1، ص 268 (37)

همانجا، صص 268 - 269 (38)

همانجا، ص 269 (39)

ر.ک: مقالات تقی زاده، ج 10، ص 153 (40)

بدائع الصنائع، ج 2، ص 79 (41)

المغنی، ج 3، ص 99 (42)

در اصل باید گفت درست آن، آن است که اول سال فرس، اول برج عقرب یا آبان ماه بوده است (43)

تاکنون بر ما روشن نشده که این کتاب که در باره دانش نجوم بوده، از کیست. دهها کتاب با این نام در (44) فهرست ابن ندیم شناسانده شده است. محتمل است که مقصود کتاب الانواء احمد بن عبدالله ثقفی (م 319) باشد.

المهذب البارع فی شرح المختصر النافع، ج 1، صص 191 - 193 (چاپ انتشارات اسلامی، قم 45) 1414.

المهذب، ج 1، صص 194 - 195 (46)

المهذب، ج 1، صص 195 - 196 (47)

المهذب، ج 1، صص 196 (48)

مجمع الرجال، قهپائی، ج 6، صص 110 (49)

تاریخ الطبری، ج 10، صص 26 (50)

آثار الباقیه، صص 357 (51)

الخطط المقریزية، ج 1، صص 268 ; آثار الباقیه، صص 325. متن حدیث را بیرونی چنین آورده: نقل شده (52) که در نوروز جامی سیمین که پر از حلوا بود، برای پیغمبر (ص) به هدیه آوردند و آن حضرت پرسید که پرسید که، نوروز چیست؟ گفتند: عید بزرگ ایرانیان است. این چیست؟ گفتند: امروز روز نوروز است عسکره چیست؟ فرمود: عسکره فرمود: آری، در این روز بود که خداوند عسکره را زنده کرد. پرسیدند هزاران مردمی بودند که از ترس مرگ ترك دیار کرده و سر به بیابان نهادند و خداوند به آنان فت بمیرید و مردند. سپس آنان را زنده کرد و ابرها را امر فرمود که به آنان ببارد. از این روست که پاشیدن آب در این سپس از آن حلوا تناول کرد و جام را میان اصحاب خود قسمت کرده و گفت: کاش هر روز رسم شده روزی برای ما نوروز بود.

سفرنامه اولناریوس، (ترجمه حسین کردبچه، تهران، کتاب برای همه، 1369) ج 2، صص 690 (53)

سفرنامه اولناریوس، ج 2، صص 466 (54)

سفرنامه تاورنیه، (ترجمه ابوتراب نوری، تهران، سنایی، 1336) صص 635 (55)

ذریعه ج 23، صص 275 - 276 (56)

فهرست کتابخانه مجلس، ج 10، صص 1737. به احتمال قوی این رساله از محمدباقر بن اسماعیل (57) خاتون آبادی (م 1127) باید باشد

ریاض العلماء، ج 1، صص 6 (58)

بحار الانوار، ج 59، صص 91 - 100 (59)

همانجا، ج 59، صص 101 - 105 (60)

همانجا، صص 107 (61)

همانجا، صص 11 (62)

مرحوم شیخ عباس قمی هم آن را به نقل از «کتاب غیر مشهوره» آورده و صورت دیگر آن را یا مقلب (63) القلوب و الابصار یا مدبر اللیل و النهار یا محول الحول و الاحوال حول حالنا الی احسن الحال یاد کرده است.

ذریعه، ج 24، ص 209، ش 1087 (64)

نوروزیه آقارزی، نسخه خطی شماره 8755 کتابخانه مرعشی، برگهای 48 - 51 (65)

مجموعه‌ای از رساله‌های وی را آقای سیدمهدی رجایی چاپ کرده‌اند (66)

این رساله به کوشش سیدمهدی رجایی در میراث اسلامی ایران دفتر چهارم به چاپ رسیده است (67)

مسیحیت و نوروز باستان

[مجله کلمه، شماره ۳۳](#)

مسیحیت و دنیای امروز - موضوعات گوناگون

[این صفحه را ای میل کنید](#) 

[چاپ بدون گرافیک](#) 



یادم می‌آید بچه که بودم، هر بار که در آغاز سال تحصیلی جدید فهرست اسامی شاگردان کلاس برای اولین بار خوانده می‌شد، نوبت اسم من که می‌رسید اکثر شاگردان برمی‌گشتند و با تعجب نگاهم می‌کردند. بعد از کلاس معمولاً چند نفر می‌آمدند و می‌پرسیدند: "آقا شما اقلیت (مسیحی) هستید؟"

اوایل از این سؤال خیلی خوشحال می‌شدم و فکر می‌کردم لابد نوری چیزی در چهره‌ام دیده‌اند و پی برده‌اند مسیحی‌ام، یا اینکه رفتارم خیلی مسیحایی بوده و فهمیده‌اند با بقیه فرق دارم. با تعجب می‌پرسیدم: "درست است، از کجا فهمیدید؟" و متأسفانه جواب می‌شنیدم که: "آخر اسم‌تان ارمنی است!" مجبور می‌شدم توضیح دهم که "دیباج" معرب "دیبیا" به معنی "ابریشم" یک اسم فارسی است، و "عیسی" هم ربطی به ارمنی بودن ندارد. البته گاهی هم این اسم و فامیل به‌دادم می‌رسید و مثلاً هنگام اذان ظهر که همه مجبور بودند در نماز شرکت کنند، من می‌گفتم مسیحی هستم و مسئولین مدرسه هم با شنیدن اسم قانع می‌شدند. البته بعضی‌ها که بیشتر سرشان می‌شد اعتراض‌کنان می‌گفتند: "چطور؟ مگر ارمنی هستی؟" و آنها که از قضا اسم پدرم را جایی دیده بودند، انگشت به دهان می‌ماندند که: "پس چطور اسم پدرت مهدی است؟!"

زنده‌یاد پدرم تعریف می‌کرد در چهارده‌سالگی وقتی برای اولین بار دل به دریا زده و به خانواده‌اش در اصفهان گفته بود که به مسیح ایمان آورده است، واکنش حیرت‌زده آنها چنین بود: "وا! یعنی رفتی ارمنی شده‌یی؟"

و باز یادم می‌آید وقتی در غیاب پدرم منزل زنده‌یاد روانبخش در کلیسای گرگان زندگی می‌کردیم، یک روز نزدیک کریسمس از رادیوی محلی گرگان زنگ زدند و گفتند می‌خواهیم به مناسبت میلاد حضرت مسیح با شما مصاحبه بکنیم. برادر روانبخش با خوشحالی پذیرفتند، اما بعد متوجه شدند که باید به زبان ارمنی صحبت کنند گفتند: "آخر من ارمنی نمی‌دانم. مگر همان فارسی خودمان چه عیبی دارد؟" و جواب آمد که: "مگر شما اقلیت نیستید!!"

به‌گمانم آندسته از ما که از زمینه اسلام به مسیح ایمان آورده‌ایم کمابیش هر از گاه با تجربیاتی از این دست روبرو بوده‌ایم. متأسفانه در کشور ما، و بلکه در فرهنگ شرق، هنوز این مطلب جا نیفتاده که مسیحیت رابطه فرد است با خدا، و اسم و فامیل و زبان و ملیت مانع از ایجاد چنین رابطه‌ای نمی‌شود.

باری، دردناک بودن این تصور اشتباه در کشورمان به کنار، از آن دردناک‌تر تصور آندسته مسیحیانی است که خیال می‌کنند با پذیرش دعوت مسیح باید فرهنگ و ارزش‌های غربی را نیز بدنبال آن در بست بپذیرند و به فرهنگ غنی و سنت‌های دیرین سرزمین مادری خود بکلی پشت پا زنند. این عده که به علت عدم آگاهی یا بعضاً ساده‌لوحی، کلیسا و مسیحیت را با غرب و تمدن آن مترادف می‌دانند، فکر می‌کنند برای آنکه ایماندار خوبی باشند باید از تمام مراسم، آداب و سنن، و ارزش‌های ملی و فرهنگی سرزمین مادری خود دست بشویند (ولی نه البته از زندگی پر زرق و برق و اتومبیل آخرین سیستم و لباسهای سبک غربی).

شخصاً بارها برایم پیش آمده که در کلیسا عید سعید نوروز را به کسی شادباش گفته‌ام، اما جواب شنیده‌ام که: "آه، ما دیگر نوروز را جشن نمی‌گیریم. از وقتی ایمان آورده‌ایم فقط کریسمس و عید قیام و تنگس‌گیوینگ را جشن می‌گیریم." راستش را بخواهید دلم بحال چنین افرادی می‌سوزد. اولاً به این خاطر که خود را از چنین جشن باستانی و فرصت استثنایی برای دید و بازدید و تجدید روابط محروم کرده‌اند، اما دوم به این خاطر که این محرومیت خودخواسته آنان به علت عدم شناخت کافی آنها از عیسی مسیح است. این عده نمی‌دانند که عیسی مسیح که خود در سرزمین فلسطین (که از قضا در مشرق‌زمین است) و در چارچوب فرهنگ یهود ظهور کرد، نه تنها به هویت و آداب و سنن یهود پشت پا نزد، بلکه در واقع کل رسالت خود را در قالب مفاهیم و تعبیری تبیین نمود که عمیقاً ریشه در فرهنگ و باورهای دیرین قوم یهود داشت.

مفاهیم کلیدی چون پادشاهی خدا، پسر انسان و ماشیح که عیسی در تشریح مأموریت خود بارها از آنها استفاده کرد، همگی سخت ریشه در باورهای دینی قوم یهود داشت و جزئی از فرهنگ آنها شده بود. منتهی یهودیان زمان عیسی از این مفاهیم تصور اشتباهی داشتند و به‌عنوان مثال پادشاهی خدا را در مفهومی سیاسی تعبیر می‌کردند و منتظر ماشیحی بودند که انقلاب کند و آنان را از یوغ روم برهاند. عیسی از همین باورهای سنتی مردم استفاده می‌کند و بدان معنایی عمیق‌تر داده، رسالت خود را از طریق آنها تبیین می‌نماید.

اصولاً این روش خدا است که با انسان از طریق همان مفاهیم و تعبیری سخن گوید که برایش مأنوس و آشنا است، تا انسان بفهمد و بتواند خدای حقیقی خود را بشناسد. بسیاری از مفاهیم عهدعتیق نظیر معبد، کوه خدا، و قربانگاه، در اصل ریشه در باورهای اسطوره‌ای و عقاید بت‌پرستانه مردم آن روزگار داشت. حتی اسم خود خدا، یعنی "ال" یا "الوهیم"، و تعبیری چون "بیت‌ئیل"، در اصل به بت "ال" بر می‌گردد که پیشاپیش در دنیای سومری و فینیقی مورد پرستش و احترام بود و در فینیقیه و کنعان خدای خدایان دانسته می‌شد. آری، خدا با استفاده از این گونه مفاهیم آشنا خود را بر قوم خویش مکشوف می‌سازد.

در مورد مراسم نوروزی و آیین هفت‌سین نیز همین‌طور است. هفت عددی است مقدس، و سفره هفت‌سین (که در اصل هفت‌سین و شامل شراب بوده، اما با ورود اسلام به ایران و حرام خوانده شدن شراب، به هفت‌سین تغییر یافته)، ظاهراً سمبل هفت قدیس یا فرشته‌ای است که در آغاز سال جدید از دنیای رفتگان به دیدار آدمیان می‌آیند. این فرشتگان بهترتیب مظهر حیات (یا تجدیدحیات: سبزه)، سلامتی (سبب، سیر)، سعادت، موفقیت، شادی (و شادکامی: سمنو)، صبر (سرکه)، زیبایی، و عشق و محبت (سنجد، که رایحه آن محرک عشق است) می‌باشند. بسیاری از این کیفیات در واقع میوه‌های روح‌القدسند. چرا آنها را به همین مفهوم نگیریم؟ چرا سبزه مظهر تجدید حیات را سمبول کار خدا در احیای طبیعت و نیز طبیعت جدید و تولد تازه‌ای که به ایمانداران بخشیده‌اند ندانیم؟ چرا بر سر سفره هفت‌سین کتابمقدس نگذاریم و لااقل در آغاز سال جدید چند آیه از آن نخوانیم؟

علامت ماهی را پشت هر اتومبیل خارجی که می‌بینیم هیجان‌زده فریاد می‌زنیم: "راننده مسیحی است!" حال چرا می‌خواهیم آن را از تنگ هفت‌سین خودمان برانیم و بر آن برچسب بی‌ایمانی بزنیم؟ از یاد نبریم که مخالفت عیسی نه با آداب و سنن یهود، بلکه با ریاکاری و ظاهرسازی علمای یهود بود که اصل را رها کرده و به فرع چسبیده بودند. او نه تنها با مراسم و آیین‌های دیرین فرهنگ بومی خود مخالفتی نداشت، بلکه همانطور که اشاره شد، در پرتو مأموریت خود

به این آداب و مراسم بُعدی تازه و معنایی وسیع‌تر بخشید. عیسی عید باستانی پسخ را نه تنها نفی نکرد، بلکه در قالب واقعه شام آخر بدان معنایی بس غنی‌تر بخشید و این عید را به‌عنوان یادگاری از موت نجات‌بخش خود، برای آیندگان جاودانه ساخت.

حال چرا میانی که ادعا داریم پیرو اویم در این زمینه از او الگو نگیریم؟ چرا بجای نفی نوروز و مطرود خواندن هفت‌سین، این عید باستانی را فرصتی ندانیم برای تجلیل از کار خدا در احیای طبیعت، و بدین مناسبت گرد هم نیاییم و خدا را بخاطر خلقت نویی که بما بخشیده سپاس نگوییم؟

آری، پایبند ماندن به رسوم ملی و بزرگداشتن آیین‌های باستانی چون نوروز که منافاتی با ایمان مسیحی و تعالیم انجیل ندارند نه تنها وظیفه‌ای است ملی، بلکه به درونی شدن ایمان مسیحی در کشورمان و بیگانه‌زدایی از آن نیز کمک می‌کند و بر این تصور باطل که مسیحیت کالایی است تحمیلی از جانب غرب، خط بطلان می‌کشد.

پس نوروزتان پیروز!

اطلاعات بین المللی

1388 ارمنی ها و آداب ایرانی سه‌شنبه 15 دی

*نوشته: احمد نوری‌زاده

دوستی ملت‌های ساکن در دو واحد جغرافیایی ایران و ارمنستان ریشه در هزاره‌های تاریخ دارد. ملل ایرانی و ارمنی علاوه بر تعلق نژادی به قوم مادر هند و اروپایی به‌طور مشخص از اواخر سده هفتم پیش از میلاد دارای تاریخ مکتوب به یاری امپراتوری Barouyr دوستی هستند. در سال 612 پیش از میلاد ملت ارمنی به سرکردگی یک نفر به نام بارویر ماد می‌شتابد تا با همپیمانی بابل حکومت در حال ضعف آشور را براندازد. به همین علت هم بارویر از طرف پادشاه ماد به دریافت تاج مفتخر می‌شود و به مثابه اولین شاه ارمنی در عرصه تاریخ پدیدار می‌گردد. در متن نوشته‌های پارسی و عیلامی کتیبه معروف بیستون از ارمنستان به نام سرزمین «ارمنه» و از ساکنان آن با نام «ارمینیان» یاد می‌کند.

به این صورت که شاه عباس صفوی که در ارمنی‌های هم‌میهن ما از سال 1604 میلادی به بعد در ایران ساکن شده‌اند سال 1590 میلادی معاهده‌ای با عثمانی‌ها منعقد کرده بود و براساس آن ارمنستان و آذربایجان و گرجستان را به عثمانی‌ها واگذار کرده بود؛ در سال 1603 میلادی با تقویت قوای نظامی خود و بهره جستن از درگیری‌های داخلی امپراتوری عثمانی به سوی ماورای قفقاز روی آورد و بخش‌های وسیعی از آذربایجان و ارمنستان را تسخیر کرد. یک سال پس از آن حکومت عثمانی سپاهی عظیم را برای جنگ با قوای شاه‌عباس به میدان نبرد گسیل داشت. شاه صفوی برای اجتناب از جنگ تصمیم به عقب‌نشینی می‌گیرد. وی برای آن که نیروهای عثمانی را دچار گرفتاری و مانع کند به هنگام عقب‌نشینی روستاها و آبادی‌های سرراه را ویران کرد.

بدین‌گونه در سال 1604 میلادی به دستور شاه‌عباس صفوی بسیاری از روستاها و آبادی‌ها و شهرهای ارمنستان شرقی با خاک یکسان شدند و بیش از 350 هزار نفر از ارمنیان ساکن در آن‌ها به زور به داخل ایران مهاجرت داده شدند. در ارمنستان که در کنار رود ارس واقع شده بود همچون بسیاری دیگر از Gougha این زمان شهر معروف «جوقا» یی شهرها و آبادی‌ها ویران و با خاک یکسان شد و اهالی آن به حوالی پایتخت شاه‌عباس یعنی شهر اصفهان کوچانده شدند و بعدها شهر جدید ارمنی‌نشین مجاور اصفهان را با نام جوقای نو (جلفا) به وجود آوردند که امروزه جزئی از شهر بزرگ اصفهان است.

بدین‌گونه برای نخستین بار اسلاف ارمنیان هم‌میهن ما در سال 1604 میلادی در جوقای نو (جلفا) اصفهان ساکن شدند و به مرور زمان در سراسر ایران پراکنده گردیدند.

اشتراکات و پیوندهای فرهنگی بسیاری میان ارمنی‌ها و ایرانی‌ها وجود دارد که در هزاره‌های تاریخ زمینه همزیستی مسالمت آمیز و برادرانه این ملت‌ها را فراهم آورده است. ایرانی‌ها و ارمنی‌ها به یک قوم مادر اولیه تعلق دارند و علاوه بر این پارت‌ها و اشکانی‌ها بیش از چهارصد زبان‌های آن‌ها هم به خانواده زبان‌های هند و اروپایی تعلق دارد. سال در ارمنستان حکومت داشته‌اند که به آن «آرشاکونی» یعنی «آرشاکانی» اطلاق می‌شده است.

به این ترتیب که در سال 51 میلادی بلاش اول (78-51 م) که یکی از کارآمدترین و مقتدرترین شاهان اشکانی بود ارمنستان را به عنوان دومین شاهنشین مستقل اشکانی اعلام کرد و برادر خود یعنی تیرداد را بر تخت‌شاهی آن نشانید و حکومت اعقاب تیرداد در ارمنستان تا سال 428 میلادی ادامه افت.

همانگونه که اشاره شد ارمنی‌ها و ایرانی‌ها هم تعلق قومی به قوم ما در هند و اروپایی دارند و هم زبان آن‌ها به یک خانواده زبانی تعلق دارد و هم این که دوستی و برادری تاریخی چند هزار ساله به ویژه حکومت تقریباً پانصد ساله پارت‌ها و اشکانی‌ها در ارمنستان باعث شده که این ملت‌ها دارای پیوندهای ریشه‌دار فرهنگی با یکدیگر باشند.

بسیاری از سنت‌ها و آداب متداول ایرانی‌ها از سوی ارمنی‌ها به عاریت گرفته شده و یا با همان ترتیب اولیه و یا قدری تغییر و دستکاری مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. به عنوان مثال سنت‌هایی نظیر سنت تقدیس آب که نزد ایرانیان متداول شده است Vartavar «باستان رواج داشته از سوی ارمنی‌ها هم مورد استفاده قرار گرفته و با نام «وارتاوار» یا «دیاراندر آج Darendez «درندز» یا چهارشنبه سوری ایرانیان باستان نزد ارمنی‌ها نیز معمول شده و با نام رواج یافته و این سنت باستانی حتی پس از پذیرش مسیحیت در ارمنستان نیز از سوی کلیسای ارمنی مورد Diarandaraj قبول واقع شده و امروزه یکی از سنت‌های کلیسایی هم محسوب می‌شود یا بسیاری از اسامی ایرانی از سوی ارمنی‌ها هم مورد استفاده قرار گرفته و امروزه هم بسیاری از نام‌های ارمنی منشا ایرانی دارد.

بعد از اصفهان، فریدن، اراک، تهران، رشت، انزلی، قزوین، آبادان، اهواز و دیگر شهرهای ایران مناطقی بودند که ارمنی‌ها معمولاً در هر کجا که به طور انبوه سکونت اختیار کرده‌اند کلیساها، مدارس و ارمنی‌ها در آنها سکونت گزیدند. انجمن‌های فرهنگی ویژه خود را دایر کرده‌اند.

دوستی و زندگی مشترک اقوام پیامدهای فرهنگی و ادبی نیز به همراه دارد. به عنوان مثال زبان قدیم و جدید ارمنی یعنی یک ذخیره واژگانی بسیار غنی به وام گرفته شده از زبان‌های ایرانی Ashkharhabar «و «آشخارهابار Grabar «گرابار» به ویژه زبان پارسی یا پهلوی اشکانی دارد.

مرحوم دکتر محمد معین معتقد بود برای احیای ذخیره واژگانی زبان پارسی یا پهلوی اشکانی زبان‌شناس‌ها باید با زبان ارمنی آشنایی کامل داشته باشند. مراسم عید

در واژه‌نامه‌های فارسی واژه عید «روز مبارکی که در آن مردم جشن گیرند و شادی کنند» تعریف شده است. در زبان به روز یا روزهای جشنی اطلاق می‌شود که به مناسبت حادثه‌ای مهم و یا بزرگداشت خاطره و «ارمنی واژه «دن» یادبودی بسیار ارزشمند برگزار شود.

در ادبیات کلیسایی عید به روز مراسم خاص سنتی و کلیسایی که برای امری مقدس و یا به یاد یک قدیس و یا بزرگداشت واژه خاطره و یادبودی بسیار ارزنده و مهم برگزار می‌شود، اطلاق می‌گردد که براساس مقررات کلیسایی برپا می‌شود. همچنین به معنی روز تعطیل به مناسبت برپایی اینگونه مراسم است (Don) «دن»

معنای استعاری این واژه ارمنی شادمانی بسیار و سرخوشی و پایکوبی است.

(Nava) «در واقع معادل ارمنی «ناواسارد» اطلاق می‌کنند «آمانور (Amanor) «ارمنی‌ها به نخستین روز سال نو «آمانور رایج در زبان ارمنی است که یک واژه مرکب پهلوی است و معنی سال نو از آن اراده می‌شود. نواسارد در عین (Nava sard) نیز به کاربرده (Kaghand) «کافاند» حال نام اولین ماه تقویم ارمنی نیز هست. در زبان ارمنی برای آمانور اصطلاح می‌شود که به معنی نخستین روز هر ماه سال است.

در اعصار کهن ارمنی‌ها مراسم نواسارد را با شکوه بسیار برپا می‌کردند و شاهان ارمنی در مراسم ویژه این روز شرکت می‌جستند.

قربانی کردن، رقص و پایکوبی و برپایی مسابقه‌های ورزشی و بازی‌های نمایشی و اجرای تئاتر جزو مراسم ویژه این اطلاق می‌شود که معادل ژانویه است (Hounvar) «روز بوده است. امروزه در تقویم ارمنی به نخستین ماه سال «هونوار» ایزد صلح و آرامش برگرفته شده است. (Hanos) «پژوهشگران ارمنی معتقدند که «هونوار» ارمنی از نام «هانوس یونانی و «هونوار» لاتینی را جایگزین «نواسارد» کهن خود کرده‌اند «ارمنی‌ها پس از پذیرفتن مسیحیت «کافاند» برپایه پژوهش‌های انجام شده آغاز سال ارمنی در عهد باستان مانند ایران در شروع بهار بوده است. نوروز جشن بهار، بهار جشن و جشن سال نو نزد آریاییان بود.

نزد آریاییان در اعصار باستان دو فصل گرما و سرما در نظر گرفته می‌شده است. فصل سرما شامل ده ماه و فصل گرما دو ماه بوده است.

بعدها تابستان هفت ماه محاسبه شد و زمستان پنج ماه. در هر یک از این دو فصل جشنی برپا می‌شده که آغاز سال نو محسوب شده است. جشن نخست به هنگامی آغاز می‌شد که فصل گرما شروع می‌شد یعنی زمانی که گله‌ها از آغل‌ها به چمنزارها روانه می‌شدند و مردم از دیدن رخسار نواز شکر و دلنشین خورشید مسرور می‌شدند. جشن دیگر در آغاز فصل سرما برپا می‌شد که گله‌ها به آغل‌ها کشانیده می‌شدند و جماعت توشه فصل سرما را تدارک می‌دیدند.

ایرانیان باستان سال را با آغاز تابستان یعنی انقلاب صیفی و با ماه تیر می‌آغازیدند. در دوره‌ای نیز آغاز انقلاب صیفی را ماه فروردین می‌دانستند و مهرگان را نیز آغاز زمستان و فصل سرما و زمستان به حساب می‌آوردند و بر دو فصل نوروز و مهرگان قایل بودند. مهرگان آغاز زمستان و سرما بود و نوروز شروع فصل گرما.

امروزه عید میلاد مسیح (ع) که بزرگترین عید ارمنی‌های مسیحی است همه ساله با شکوه و جلال فراوان در میان مسیحیان جهان و ارمنی‌های ایرانی برگزار می‌گردد. عید میلاد یا «ظهور الهی» بزرگترین و همگانی‌ترین جشن مسیحیان جهان است.

اطلاق می‌کنند به Grorhnek «جراورهنک» ارمنی‌ها عید میلاد مسیح (ع) را با عید غسل تعمید حضرت مسیح که به آن طور همزمان جشن می‌گیرند. از عمده‌ترین دلایل این اختلاط ایام آن است که تاریخ دقیق ولادت حضرت عیسی مسیح به طور کامل روشن نیست و در میان فرقه‌های گوناگون مسیحی بر سر تاریخ دقیق تولد حضرت مسیح اختلاف نظر وجود

دارد.

در قرن دوم میلادی به طور رسمی روز 6 ژانویه روز تولد حضرت مسیح شمرده می‌شد و تا قرن چهارم میلادی نیز این روز به طور رسمی جشن گرفته می‌شد، اما از آن پس کلیسای کاتولیک رم روز تولد مسیح را 25 دسامبر و روز غسل تعمید آن حضرت در رود اردن را روز ششم ژانویه اعلام کرد. در قرن پنجم میلادی اکثر کلیساهای مسیحی جهان تاریخ تولد حضرت مسیح را روز 25 دسامبر اعلام کردند اما کلیسای ارمنی همچنان به رسم و آیین کهن وفادار ماند و روز ششم ژانویه را روز تولد حضرت مسیح اعلام کرد.

پژوهشگران ارمنی بر این باورند که علت اعلام روز 25 دسامبر به عنوان روز میلاد از سوی کلیسای مسیحی لاتینی جشن ویژه خورشید بوده که در روز 25 دسامبر برپا می‌شده است و اعلام می‌کنند که 25 دسامبر تاریخ ولادت ایزد میترا بود که جشن ویژه آن در اعصار کهن باشکوه کم سابقه‌ای در روم و دیگر کشورهای بزرگ آن عصر برپا می‌شده است.

این پژوهشگران اعلام می‌کنند که بعد از ظهور مسیحیت میترائیسم همچنان در اروپا رواج داشت و حتی در مسیحیت نیز نفوذ کرد و انتخاب روز 25 دسامبر به عنوان روز میلاد مسیح نشان دهنده نفوذ میترائیسم در مسیحیت است و حتی اعلام می‌دارند که در محل کنونی واتیکان در گذشته‌های دور یک معبد بزرگ میترائیستی بوده است.

در سال 451 میلادی در مجمع مشهور «کالکدون» تاریخ تولد حضرت مسیح رسماً روز 25 دسامبر اعلام شد و در برخی از کلیساهای شرق نیز از آن پس روز 25 دسامبر به جای روز 6 ژانویه به رسمیت شناخته شد و اکثر مسیحیان جهان روز 25 دسامبر را به عنوان روز میلاد مسیح جشن گرفتند و روز ششم ژانویه را به عنوان روز غسل تعمید حضرت مسیح اعلام کردند و امروز نیز همین تقویم رعایت می‌شود، اما کلیسای ارمنی با پیروی از سنت کهن خود روز ششم ژانویه را به مثابه روز میلاد و نیز غسل تعمید آن حضرت به رسمیت می‌شناسد و جشن می‌گیرد. در مراسم کلیسایی ویژه سال نو و میلاد حضرت مسیح مؤمنان توسط روحانیون مسیحی با نان مقدس و شراب مقدس که به مثابه گوشت و خون نمادین مسیح است، تبرک می‌شوند.

تاتاخوم

در سر میز جشن ویژه میلاد معمولاً پیش از خوردن شام، بزرگ خانواده نان مقدس را بین اعضای خانواده تقسیم می‌کند تا در میان جام‌ها فرو برند و سپس جام‌ها را با آرزوی تندرستی یکدیگر بنوشند.

می‌نامند و بدینگونه سال نو ارمنی آغاز (Khetom) «یا» «ختوم» (Tatakhoum) «مراسم این شب ویژه را ارمنی‌ها «تاتاخوم می‌شود. بعد از برگزاری مراسم ویژه تاتاخوم و صرف شام ویژه مردم دست‌دسته به خانه‌های یکدیگر برای دید و بازدید می‌روند و به یکدیگر مژده یا «آودیس» می‌دهند.

سال نو در خانه‌های ارمنی‌ها

«چند روز قبل از عید میلاد مسیح ارمنی‌ها روزه نگاه می‌دارند و در شب پنجم ژانویه که به ارمنی به آن «ناواگادیک» که در کلیسا برگزار می‌شود، به Badarag «اطلاق می‌کنند، بعد از شرکت در مراسم ویژه یا «باداراک» (Navagadik) خانه می‌آیند و پای سفره سال نو می‌نشینند و به صرف شام ویژه سال نو می‌پردازند. شام ویژه شب تاتاخوم معمولاً شام پلو و کوکو و ماهی شور و ماهی خشکانده یا ماهی دودی (دستپیچ) است، چرا که ارمنی‌ها در این شب از خوردن غذاهای تهیه شده با گوشت حیواناتی که خون آنها به هنگام ذبح ریخته می‌شود، اجتناب می‌ورزند.

روز 6 ژانویه معمولاً ارمنی‌های جوان و مردها برای دیدار عید به خانه بزرگترها می‌روند و سال نو را به پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها تبریک می‌گویند.

در روز 6 ژانویه بر سفره عید در خانه ارمنی‌ها اغلب شیرینی‌های ویژه مانند شیرینی موسوم به نازوک (نازک)، گاتا، شکلات و آجیل به چشم می‌خورد. مرسوم است که معمولاً پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها و پدرشورها و مادرشورها به اولاد و عروسان و دامادهای خود هدیه می‌دهند. در مدارس ارمنی نیز قبل از تعطیلی مدرسه کیسه‌های کوچک حاوی آجیل و خشکبار به دانش‌آموزان هدیه داده می‌شود که گونه‌های برقراری مساوات بین دانش‌آموزان دارا و ندار تلقی می‌شود.

پژوهشگران ارمنی تزیین درخت کاج در شب عید میلاد مسیح را سنتی دیرینه می‌دانند که با کیش پرستش درخت که در میان ارمنی‌های عهد کهن متداول بوده است، همانندی دارد، برخی نیز آن را سنتی به عاریت گرفته شده از اروپائیان به حساب می‌آورند.

ربط می‌دهند، در کشورهای مسیحی «همچنین این رسم را به اشاره‌های کتاب مقدس به «درخت حیات» و «درخت دانش جهان معمولاً شب کریسمس درخت کاج را تزیین می‌کنند. اما ارمنی‌ها شب 5 ژانویه این کار را انجام می‌دهند. زیرا بر اساس باور ارمنی‌ها و کلیسای لوسوریچی یا آراکلاگانی ارمنی، مسیح روز ششم ژانویه ولادت یافته است به نظر گروهی از پژوهشگران ارمنی نیز تقدیس و تزیین درخت جزئی از کیش پرستش طبیعت به شمار می‌آید درخت نزد ارمنی‌ها مظهر رویش و حیات به حساب می‌آید و علاوه بر آن در عهد کهن در ارمنستان کیش پرستش درخت به طور گسترده متداول بوده است.

برخی نیز بر این نظر هستند که تزیین درخت کاج به شیوه‌ای که امروز مرسوم است نخستین بار در سال 1605 میلادی در کشور آلمان رواج پیدا کرده است.

بر اساس نظر این پژوهشگران مارتین لوتر بنیانگذار فرقه پروتستان مسیحی عادت داشت در شب تولد حضرت مسیح شاخه‌های درخت کاج را به خانه ببرد و برای شادمانی کودکان آنها را تزیین کند و همین عادت بعدها به یک رسم و آیین

عام تبدیل شده و در سال 1840 میلادی سنت آراستن درخت کاج به انگلستان و از آنجا نیز به آمریکا راه یافت. برخی نیز بر این باورند که تزئین درخت کاج از دوران حکمفرمایی فراغنه در مصر به یادگار مانده است پندار درباره بابانوئل

و «بابا زمستان» (Kaghand) «بابا کافاند» از دیگر سنت‌های سال نو مسیحی رؤیای «بابانوئل» است که ارمنی‌ها به آن بابانوئل» نیز پژوهشگران مسیحی اتفاق نظر وجود ندارد و هر یک نظریه خاص خود را «اطلاق می‌کنند. درباره منشأ پیش می‌کشند. شایع‌ترین نظریه درباره «بابانوئل» همان پندار مربوط به «سانتاکلوز» آلمانی است که داستان خاص خود را دارد.

داستان از این قرار است که گویا «سانتاکلوز» جوانی بوده که در قرن چهارم میلادی می‌زیسته و از مشاهده این که دوشیزگان تهیدست به علت فقر و نداری از تهیه جهیزیه عاجزند و به همین دلیل تن به ازدواج نمی‌دهند رنج می‌برده است. لذا سانتاکلوز شبی از شب‌ها درون کیسه‌هایی را پر از زر می‌کند و از سوراخ دودکش بخاری به درون خانه دختران دم بخت می‌ریزد تا آنها با استفاده از طلاهای سانتاکلوز برای خود جهیزیه تهیه کنند و به خانه بخت بروند. در عین حال پژوهشگران معتقدند افسانه «بابازمستان» یا «بابانوئل» از اعصار بسیار کهن در خاور زمین رواج داشته است. در میان ارمنی‌های اعصار کهن نیز در جشن ناواسارد و عید «بون باری گندان» پخش کردن هدیه میان مردم و دادن جایزه و زدن نقاب بر چهره متداول بوده است که می‌تواند اشاره‌هایی نمادین به «بابازمستان» یا «بابانوئل» امروزی باشد.

گذشته از این افسانه بارتو که شباهت بسیار زیادی به بابانوئل دارد در میان ارمنی‌ها شایع بوده است. بارتو شخصیت محبوب کودکان ارمنی بوده که با کلاه بوقی و ریش سفید و چوبدست و کیسه‌هایی پر از هدایا میان کودکان شادی قسمت می‌کرده است. اعیاد ارمنی در روزگار کنونی به دو دسته تقسیم می‌شوند. اعیاد مسیحی و کلیسایی و اعیاد ملی.

مهمترین اعیاد کلیسایی مسیحی عبارتند از: عید میلاد حضرت مسیح (ع) و دیگر اعیاد مربوط به آن حضرت و اعیاد اطلاق می‌شود. البته غیر از این‌ها Khach «مربوط به حضرت مریم و صلیب مقدس که در زبان ارمنی به آن «خاچ» اعیاد گوناگون کلیسایی دیگری نیز وجود دارند. اعیاد حضرت مسیح با رویدادهای گوناگون زندگی آن حضرت ارتباط Hambarsoom «و» «هامبارتسوم Zadik» دارند که مهمترین آنها عید میلاد و عید غسل تعمید و عید موسوم به «زادیک» است. پاره‌ای از اعیاد ارمنی‌ها نیز جنبه ملی دارند و به مناسبت رویدادهای مهم ملی، طبیعی و تاریخی برپا (رستاخیز) می‌شوند. امروزه بسیاری از اعیاد ملی ارمنی‌ها با اعیاد و رسوم کلیسایی درهم آمیخته‌اند و به صورت یک کل واحد درآمده‌اند که هم از سوی کلیسا پذیرفته شده‌اند و هم از سوی مردم ارج نهاده می‌شوند. درباره جزئیات و عادات برگزاری اعیاد ملی کهن به دلایل تاریخی اطلاعات ناچیزی در منابع و متون کهن به یادگار مانده است. در روزگار ما اغلب نام این اعیاد کهن ملی تکرار می‌شود اما از نحوه برگزاری آنها در اعصار کهن اطلاعات همه جانبه‌ای وجود ندارد.

این اعیاد به طور سنتی در تاریخ پایدار مانده‌اند و به مرور در اعیاد کلیسایی مستحیل شده‌اند. برای مثال می‌توان به افروختن آتش در عید درنرز (دیوار انداراج) که عیدی شبیه به چهارشنبه‌سوری ما ایرانی‌هاست، پاشیدن آب در عید «وارتاوار» (که یادآور مراسم کهن پاشیدن آب به روی یکدیگر در میان ایرانیان است) تقال زدن و قرع‌کشی کردن در عید تعمید انگور کلیسایی اشاره کرد که علت این امر را آن می‌دانند که گریگور لوساوریچ مقدس اشاعه‌دهنده مسیحیت در ارمنستان خود شخصاً رسوم کهن را در زمره اعیاد مقدس قرار داده و بر ویرانه‌های معابد کهن کلیساها و نمازخانه‌ها بنا نهاده است و مزارهای مقدسین کهن را در محوطه کلیساها جای داده است. پژوهشگران کلیسایی ارمنی همچنین بر این نظر هستند که گریگور لوساوریچ مقدس پس از انهدام معابد کهن، کلیساهای نوین بنیاد نهاد و به جای اعیاد ملی قدیم اعیاد جدید مسیحی را مرسوم کرد و بسیاری از اعیاد کهن با تغییراتی چند جزو اعیاد کلیسایی درآمدند و بدین‌گونه ارمنی‌ها بسیاری از آداب و سنن و رسوم آیینی کهن خود را همچنان حفظ کردند. امروزه از عمده‌ترین اعیاد ارمنی‌ها می‌توان به درنرز یا «دیوار انداراج» که همانند چهارشنبه‌سوری ما ایرانی‌هاست، «که همانند مراسم برغندان ایرانیان عهد باستان است، «زادیک» و «هامبارتسوم Boun Barigendan» «بون باری گندان» که هر دو عید رستاخیز حضرت مسیح می‌باشند اما به طور جداگانه برگزار می‌شود، اشاره کرد. از مراسم جالب «زادیک» رنگ کردن تخم‌مرغ، بازی با تخم‌مرغ، نهادن شیرینی مخصوص موسوم به «باسکا» بر سفره جشن، رفتن دسته‌جمعی به آغوش طبیعت است که سیزده‌بدر ما ایرانی‌ها را تداعی می‌کند. به هنگام برگزاری مراسم «هامبارتسوم» نیز رفتن دسته‌جمعی به آغوش طبیعت مرسوم است» ویژه لازم است به این نکته نیز التفات کرد که امروزه به هنگام برگزاری همه اعیاد مسیحی مراسم ویژه نیایش و دعا در کلیسا برگزار می‌شود که به زبان ارمنی به آن «باداراک» اطلاق می‌شود.

شاعر، مترجم، پژوهشگر و بنیانگذار ارمنی‌شناسی فارسی*

.....

آئین بهائی- نوروز 86 - صهبا مطلبی

<http://www.youtube.com/watch?v=VnWR5Jbegik&feature=related>

.....

پوریم؛ عید یهودیان و سیاس از ایران باستان



کودکان اسرائیلی در بالماسکه‌ای به مناسبت پوریم

میتر (اسرائیل)

یهودیان در اسرائیل و جهان، امروز، سه‌شنبه ۲۰ اسفند، عیدی را جشن گرفته‌اند که روز شکرگزاری از کشور باستانی ایران به خاطر نیکوکاری‌های پادشاهان ایران زمین در قبال اجداد یهودیان است.

این عید «پوریم» نامیده می‌شود که روایات تاریخی متخلفی درباره شخصیت‌های آن وجود دارد. مشهورترین این روایات به «کتاب استر» (طومار استر) باز می‌گردد و یهودیان برای آن اهمیت زیادی قائلند. کتاب استر بخشی از «عهد عتیق» در کتاب مقدس است که مورد قبول یهودیان و مسیحیان قرار دارد.

بر اساس روایت کتاب استر، «پوریم» شکرگزاری یهودیان از «اخشوروش» است که خشایار شاه هخامنشی است.

در آن ایام خشایار شاه، امپراطور ۱۲۷ ولایت از هند تا حبشه بود. خشایار شاه دل به دختری یهودی - که زیبایی‌اش باعث که برادرزاده «مردخای» بود (پرواوزه شده بود- به نام «استر») (ستاره

مردخای در دربار خشایار شاه خدمت می‌کرد، که در زبان امروزی ممکن است بتوان وظیفه او را «وزیر دربار» نامید.

در روایات تاریخی یهودیان آمده است که «هامان» صدراعظم وقت، در نتیجه مخالفت شدید با «مردخای» که حاضر به سجده کردن به صدراعظم نبود و از او حرف شنوی نداشت، دستور قتل عام یهودیان را در سرزمین باستانی ایران صادر کرد.



کودکان خانواده‌های مذهبی یهودی در اسرائیل در مراسم عید پوریم

مردخای» از این توطئه آگاهی یافت. ملکه «استر» به نزد خشایار شاه رفت و نگرانی‌های عمیق خود و یهودیان را با «او در میان نهاد.

خشایار شاه از ماجرا آگاهی نداشت و دستور داد که در مورد درستی یا نادرستی سخنان ملکه «استر» تحقیق شود.

هنگامی که به خشایار شاه آگاهی داده شده که صدراعظم، قتل عام یهودیان را برنامه‌ریزی کرده، خشایار شاه بر «هامان» خشم گرفت و دستور داد که او را درملاء عام اعدام کنند.

یهودیان به شکرگزاری به دربار خشایار شاه رفتند و از آن زمان است که این عید با نام «پوریم»، از دیدگاه یهودیان، یادآور پیوند ناگسستنی ملت‌های یهود و ایران است.»

رخدادهای تاریخی در «کتاب یا طومار استر» (در کتاب مقدس) قید شده است و یهودیان با خواندن این طومار، به نیایش می‌پردازند. در «کتاب استر» آمده است: «هنگامی که پلیدی‌ها رخت بر بست و توطئه‌های بدخواهان ناکام ماند، سرزمین «ارض شوش» (کنایه از ایران زمین) را شادی و صفا نداشتی فراگرفت (شوشان

«کوروش» منجی

یهودیان دو بار از ایران زمین شکرگزاری می‌کنند. در تاریخ یهودیان، کوروش بزرگ هخامنشی نیز کسی است که لقب «منجی»، «مسیح خداوند» به او داده شده است؛ زیرا کوروش بزرگ بود که با «منشور آزادی»، یهودیان را که از سرزمین یهود به «بابل» تبعید شده بودند، به سرزمینشان برگرداند.



یهودیان ارتودوکس در حال رقص به مناسبت پوریم

کوروش بزرگ کاروانی از نیروهای نظامی خود را نیز همراه یهودیان کرد تا امن و امان به اورشلیم بازگردند. افزون بر آن، اموال خزانه آن‌ها را که به تاراج رفته بود، همراه با این کاروان به اورشلیم رساند.

یهودیان برای کوروش و «منشور آزادی» او اهمیت بسیار زیادی قائل هستند؛ برای همین است که اندیشه برپایی تندیس کوروش بزرگ در اسرائیل تا کنون چندین بار مطرح شده است.

در پوریم «بالماسکه»

پوریم، امروز، سه‌شنبه، در سراسر اسرائیل جریان دارد، و بنا به سنت این جشن یک روز دیرتر -یعنی «عید چهارشنبه- در بیت المقدس (اورشلیم) برگزار می‌شود.

کودکان و بسیاری دیگر از یهودیان در ایام عید «پوریم» لباس‌های مبدل می‌پوشند. در خانواده‌های مذهبی معمولاً «استر» ایرانی می‌پوشند؛ دختران لباس ملکه «استر» را به یاد شهبانو

اما در دهه‌های اخیر توجه کودکان بیشتر متوجه لباس‌های بالماسکه به سبک چهره‌های کارتونی تلویزیونی مشهور شده است.

در عید «پوریم» تدابیر امنیتی نیز برقرار است. در گذشته، مواردی بوده است که تروریست‌های انتحاری با پوشیدن لباس بالماسکه در صدد بمب‌گذاری در مراکز پرجمعیت بوده‌اند.



آرامگاه استر و مردخای در همدان

عید «پوریم» امسال تقریباً با جشن چهارشنبه سوری و نوروز ایرانی مصادف شده است. اما یادآوری این پیوندهای باستانی در حالی است که تنش در مناسبات دولت‌های اسرائیل و ایران به اوج خود رسیده است. آرامگاه «استر» و «مردخای» در شهر همدان یادآور روایت عید «پوریم» است. پیکر «استر» و عمویش «مردخای» در این مکان باستانی دفن است. سازمان گردشگری و میراث فرهنگی ایران، آذر ماه امسال آرامگاه «استر» و «مردخای» را به فهرست آثار ملی ایران اضافه کرد.

.....

مقدمه در کنار رود کارون در جلگه خوزستان ، قومی صنعتگر و هنرمند زندگی می کنند که دین و آیین ، زبان و خط خاصی دارند و همواره توجه دین شناسان ، انسان شناسان و زبان شناسان را به خود جلب کرده اند. اینان خود را مندایی « و از نسل سام بن نوح می دانند

این کتاب از دو طرف آغاز می شود. قسمت راست ، که کتاب مقدس شان صحف آدم است که خود به آن گنزا ربا به معنی گنج بزرگ می گویند طولانی تر است ، در موضوع الهیات مندایی ، جهان و خلقت ، تاریخ قوم و اساطیر ؛ و قسمت چپ در موضوع اموات است . قرآن شریف ، منداییان را با نام «صابئین» ، اهل کتاب دانسته و در آیه های 62 سوره بقره ، 17 سوره حج ، 69 سوره مائده از ایشان سخن گفته است . وجه « تسمیه «مندا» و «صبی

نامی که این قوم خود را به آن می خوانند، ظاهرا از کلمه «ماندا» یا «مندا» به معنای معرفت و شناخت مشتق شده است و این شاید دلیلی است در زبان عربی از «صب» به معنای «آب ریختن» که دین شناسان نشانه هایی از ارتباط میان این دین با فرقه های گنوسی یافته اند. اما «صبی» است و این به دلیل آیین های تعمید در آب است که از ارکان این آیین به شمار می آید

آب ؛ رمز مقدس حیات

جاری () [در اصطلاح مندایی ، بردنه = اردن] به نزد منداییان (در سخن گفتن از منداییان پیش از هر کلامی باید از «آب» آغاز کرد. آب زنده ، مقدس و رمز و نشانه حیات اعظم است . تقریبا تمامی آیین ها و مناسک منداییان در کنار آب جاری انجام می شود. ایشان اعتقاد دارند که مهمترین آداب دینی مندایی ، «بردنه» از زیر عرش جاری است و حیات نیز از زیر «بردنه» و دنیای نورانی بالا، مملو از آب زنده است یعنی غسل ها و تعمیدها در آب جاری ، از همین اصل سرچشمه می گیرد. غسل و تعمید نه تنها جسم را پاک می کند بلکه گناهان و پلیدی های نفس را نیز زایل می سازد. آبی که نور را منعکس می کند، شکلی از نور است و کسی که تعمید کرده است ، پوششی از نور دارد

تاریخ و جغرافیای اساطیری منداییان

حرمتی که این قوم برای آب جاری قائلند این عقیده را تقویت می کند که اصل این قوم و دین ایشان از فلسطین است . کوه سراندیب ، مصر ، مادای (کوه پروان) ، کوه کارمل ، اورشلیم ، حران ، اطراف دجله و فرات از شمال به جنوب تا شهرهای غربی خوزستان نظیر سوسنگرد ، سال پیش ، از 3500 هویزه ، خرمشهر ، اطلس جغرافیایی تاریخ منداییان را از حداقل 4000 سال پیش تاکنون تشکیل می دهد. منداییان قریب مصر به حوزه فلسطین مهاجرت کرده و پس از ظهور حضرت یحیی مورد خشم یهودیان اورشلیم قرار گرفته ، به اجبار از این شهر مذهبی مهاجرت کردند و در شمال بین النهرین و شهر حران اقامت گزیدند

جمعیت و مراکز جمعیتی

ایران با 15 تا 20 هزار نفر مندایی دومین مرکز جمعیتی این دین است . منداییان عراق حدود هفتاد هزار نفر هستند که اقلیت های دینی رسمی پذیرفته شده اند و بیشتر در جنوب عراق در جوار دجله و فرات ، و برخی از ایشان هم در شهرهای بغداد، موصل و کرکوک ساکن اند. منداییان ایران ، در استان خوزستان ، و بیشتر در شهر اهواز و حومه آن ، زندگی می کنند. در ماهشهر و شوشتر هم مندایی هست ؛ اما تعداد منداییان شهرهایی چون سریندر ، شادگان ، خرمشهر و آبادان ... در حد چند خانوار است . امروزه تعداد قابل توجهی از منداییان ایران در استرالیا به سر می برند و در همان جاست که بخش عمده فعالیت های پژوهشی در حوزه قوم ، آیین و دین و زبان مندایی انجام می گیرد. برخی از منداییان به کشورهای حاشیه خلیج فارس و کشورهای اروپایی همچون سوئد، دانمارک و کشورهای کانادا و امریکا نیز مهاجرت کرده اند

معیشت

معیشت منداییان در گذشته با توجه به محیط طبیعی و اقلیمی محل سکونت شان ، کشاورزی و پرورش دام و طیور بود. اما آنان به صنعتگری و ساخت ابزار و وسایل زندگی روستایی و تهیه زیورآلات نیز علاقه خاص داشته اند. به طور کلی منداییان در ساخت مصنوعات فلزی ، قلمزنی روی نقره و طلاکاری ، هنرمندان ماهری بوده اند و قلمزنی روی نقره ، طلاکاری و طلافروشی هنوز هم شغل عمده آنهاست . هنر «قلم کاری سیاه روی طلا» هنری است که فقط منداییان با آن آشنا هستند هرچند در سال های اخیر ، نسل جوان ، دیگر آنقدرها خود را مقید به ادامه شغل اجدادی نمی داند و راه تحصیل و دانشگاه را پیش گرفته است

زبان و خط

منداییان ، صاحب زبان و خط ویژه ای هستند که به زبان و خط ماندایی معروف است و شعبه ای از زبان های سامی و شکلی از زبان آرامی پژوهشگر آلمانی ، نولدکه ، نخستین . است که در «بابل سفلی» منتشر بود و با زبانی که «تلمود بابلی» را با آن نوشته اند، قرابت نزدیک دارد بار دستور این زبان را نوشت و پژوهشگری به نام مارتسوخ درباره این زبان مطالعات گسترده ای انجام داد. امروزه دیگر زبان مندایی ، زبان مشترک اجتماعی نیست و جز جملات متداول روزمره ، نماز و دعاها، تعمید، فقط خانواده های روحانیون هستند که در میان خود به این زبان صحبت می کنند. زبان غالب در میان منداییان عربی و سپس فارسی است . خط مندایی نیز خط مخصوصی است که از راست به چپ نوشته می شود و برای واژه ها و واگ ها نیز علائم ویژه دارد و کتاب های مقدس ماندایی به این خط نوشته شده است . انجمن صابئین مندایی ، چندی است که به ترجمه بعضی از کتاب های دینی مندایی اقدام کرده است . یکی از پژوهشگران مندایی به نام شیخ سالم چحیلی در این زمینه فعال است

انجمن صابین مندایی

این انجمن که در سال 1349 شمسی توسط شیخ سالم صیوری ، رهبر دینی صابین در آن زمان ، بنا نهاده شد، در سال 1359 با اساسنامه ای در چهار فصل و 24 ماده مجوز تاسیس گرفت . این انجمن در اهواز ، انجمنی قومی دینی است که به امور داخلی و مشکلات اجتماعی هیات مدیره 13 نفره این منداییان ایران می پردازد و علاوه بر آن ، زیرمجموعه هایی نیز برای آموزش زبان ، فرهنگ و دین مندایی دارد انجمن برای گیری در اهواز و حومه انتخاب می شوند. از آن میان ، روحانیون مندایی یک نفر را برای شرکت در هیات مدیره انتخاب می کنند. منداییان سایر شهرها به صورت رای گیری سنی کسی را به عنوان نماینده تعیین می کنند تا با انجمن در ارتباط باشد

رهبر دینی منداییان ایران

در دین مندایی رسیدن به مرتبه گزورایی بسیار مشکل است و کسی که بتواند گزورا شود، به عنوان رهبر دینی پذیرفته گزورا باید در تمام مراسم عقد و عروسی و تعمیدهای مهم . می شود. شیخ جبار طاووسی پیرمرد کهنسالی است که صاحب این مقام است ترمیده و «حلالی» دو مقام دینی هستند که حالت دستیاران گزورا را دارند و می توانند عقد زن بیوه را بدون حضور « شرکت داشته باشد گزورا انجام دهند

تعمید در آب

منداییان سه گونه تعمید دارند که برخلاف تصور ، آنها را منسوب به حضرت یحیی نمی دانند. یکی به نام «رشمه» که فرد هر روز پیش از دیگری «طماشه» نام دارد که هر کس می . آداب دینی آن را با آب جاری یا با آبی که از رود می آورد یا حتی با آب لوله کشی انجام می دهد تواند با خواندن بوته (آیه یا دعا) و فرورفتن در آب جاری بدون نظارت روحانیون به انجام آن مبادرت کند. تعمید معمولی طماشه عموماً برای احتلام ، لمس میت ، زن زائو، بعد از عادت ماهیانه و لمس زن زائو قبل از پایان هفت روز اول زایمان صورت می گیرد. سومین تعمید که تعمید رسمی است «مصدوتا» نامیده می شود و تعمیدی است که تنها در حضور و با نظارت روحانیون عالی رتبه برای تعمید نوزاد و مادر در روز چهل ، برای عروسی و در مراسم اعطای درجه روحانیت و پاکیزگی از گناه و به صورت سنتی در هر یکشنبه برای عموم منداییان برگزار می شود

چوبی از زیتون ، حلقه ای از یاس در آب

مصوتا» به نام «رسته» از پنج تکه تشکیل شده است که تعمیدشونده و تعمیددهنده به تن می کنند و در ابتدای مراسم ، روحانی یا «لباس دستیارش کامل بودن آن را بر تن تعمیدشونده واری می کند. بوته هایی (آیه) که روحانیون از ابتدای صبح قرائت می کنند جنبه پاکسازی روحانیون علاوه بر لباس پنج تکه ، پارچه ای سفید از جنس نخ پنبه ای را به شکل تاج درآورده ، بر سر می . روحانی محیط تعمید را دارد بگذارند و عصایی از چوب درخت زیتون به دست می گیرند و انگشتری موسوم به «اصقی» در انگشت می کنند

برای شروع مراسم تعمید ابتدا «گزورا» (روحانی عالی رتبه) شاخه ای از بوته یاس به نام «آغا» را تهیه می کند و به کنار روخانه رفته ، تعمید «رشمه» را انجام می دهد. بعد از آن به ساحل رود می آید و به سمت شمال ایستاده و بوته های مربوط به «آغا» را می خواند و در ضمن خواندن آنها شروع به پیچیدن شاخه های آغا (یاس) می کند و آن را حلقه می کند. اکلیل نیز همین طور تهیه می شود. سپس دعای طلب مغفرت را بر روان تعمیدشونده می خواند. این دعا بر اساس نام دینی تعمیدشونده است . سپس با خواندن بوته دیگری «آغا» را روی سر می گذارد و دستار را روی آن می پیچد، طوری که دهانش را بپوشاند

در انگشت کوچک دست راست روحانی ، داعی خاص دارد که روحانی آن را قرائت کرده ، سپس به آهستگی اکلیل را در زیر دستار «اصقی» قرار می دهد. تمام این حرکات نمادین است . به انگشت کردن اصقی و قرار داد اکلیل در زیر دستار ، نمادی از «مندا» یا معرفت است که بر بالای سرش قرار می دهد. سپس به سوی آب حرکت کرده ، با اشاره اش تعمید شونده نیز در پی او می آید. او نیز باید پیش از ورود کامل به آب این بوته را بخواند: «به نام حیات اعظم / با تکیه بر قدرت خداوند به سوی «بیردنه» (آب زنده - جاری) آمدم / و بنا به رسم ، پذیرای پاکی و نور شدم / نام خداوند و نام «مندای» هستی ستایش باد

آن گاه تعمیدشونده در جهت شمال در آب فرو می رود و می گوید: «من فلانی فرزند فلانی (نام دینی) / در آب پاک فرو می روم / و تعمید می شوم / تعمیدم مانند بهرم بزرگ / فرزند نیکان و بزرگان است / تعمیدم مرا از بدی ها نجات می دهد/ نام خداوند و نام مندای حیات ستایش باد. « در این هنگام تعمیدکننده سه بار روی سر و روی تعمیدشونده که نیم خیز نشسته آب می پاشد و سپس توسط او «رشمه» می شود. در پایان نیز تعمیدکننده سه بار ، چهار انگشت خود را در آب فرو کرده ، پیشانی تعمیدشونده را از راست به چپ مسح می کند و می گوید که تعمید شونده تعمیددهنده نیز . تعمیدش را طبق رسوم الهی برپا داشت . سپس نام خداوند را ستایش می کند و دوبار با دست راست به تعمیدشونده آب می نوازند . در پایان می گوید: «حقیقت ، تو را شفا می دهد» و از گزورا این «بوته» را می شنود که «بخواه ، می یابی ؛ بگو، شنیده می شوی

عید بزرگ ، آغاز سال مندایی

عید بزرگ منداییان به نام «دهوا ر با» در اول ماه «دولا» از ماه های مندایی است که مطابق با مردادماه است . در این روز، از ساعتی قبل از شروع سال ، اقدام به خانه تکانی می کنند و نظافت شخصی را انجام می دهند و روز اول عید را در خانه می مانند و از صبح روز دوم سال به

نوروز بزرگ سه روز است . آنان در این سه روز تعمید و تطهیر می کنند .دید و بازدید می پردازند

برآخه ؛ نماز مندایی

منداییان در سه وقت صبح ، ظهر، و عصر «برآخه» می خوانند که به مندایی است و هر مندایی آن را می داند. پیش از اجرای آن نیز باید تعمید «اشامه» را انجام دهند. منداییان در طول سال 36 روز امساک می کنند. روزه منداییان دو نوع است : روزه خفیف و روزه سنگین . در روزه سنگین ، خوردن ماهی ، تخم مرغ و گوشت حرام است

مندى ؛ مکان مقدس

در قسمت جنوبی آن حوضی برای تطهیر است که به وسیله مندى یا ماندی معبد مندایی هاست که در کنار رودخانه از نی و گل ساخته می شود .دو کانال با آب رودخانه مرتبط است تا آب حوض راکد نباشد

منابع

. - برنجی ، سلیم (1367)، قوم از یادرفته ، دنیای کتاب ، تهران

.- فروزنده ، مسعود، با همکاری آلن ریبیه (1380)، صابئین ایران زمین ، تهران ، نشر کلید

. - مصاحب ، غلامحسین (1345)، دایره المعارف مصاحب ، مؤسسه انتشارات فرانکلین ، جلد سوم

- و با سپاس از شیخ سالم چس حیلی ، آقای شبرالی در دایره المعارف اسلامی و آقای مسعود عربستانی پژوهشگر انسان شناس که امکان استفاده از پژوهش های میدانی شان را در اختیار گذاشتند

کلیه حقوق برای پایگاه صادقین محفوظ است

.....

نوروز نزد یزیدیان

file:///C:/Documents%20and%20Settings/Utilisateur/Bureau/norouz.fr/c5c1237015574_norouz_p1.php.htm